ستارہ سینما

چرا باپیشرفت سینمای ملی ما مخالفت میشود؟

از موقعیکه صنعت سینما درایران بوجودآمدوفیلمهای فارسی توانستند با پیشرفتهای مختصرخود درنور وعکاسی وصدا توجه مردم را جلب کنند ، چند عامل مهم خودرا برای مبارزه بااین جریان آماده کردند .

دروهله اول کسانی بودندکه از پیشرفت صنعت سینمای بومی ما وحشت داشتند وعلت این امر بسیارواضح است . درکشورهائیکه صنایع سینمائی بمرحله‌ای رسیده که برای احتیاجات داخلی تکافومیکند ، فیلمهای خارجی معمولا بازارهای خودراازدست میدهند و برای مثال میتوان هندوستان ومصررا نامبرد که فقط به فیلمهای خیلی مهم خارجی که ارزش نمایش داشته باشند اجازه ورودمیدهندوگرنه ازهمان لب مرزفیلمها را بصاحبان اصلی برمیگردانند . دراین نوع کشورها هیچ یك مبارزه جدی برای شکست صنعت سینمای بومی و توسعه نمایش محصولات خارجی توسط عواملی که ازاحساسات ملی ومیهن‌پرستی بی‌بهره هستند جریان‌دارد واین عوامل وعناصرخودفروش‌بدون درنظرگرفتن منافع‌ملی زمینه نمایش‌فیلمهای خارجی را با بپای شکست محصولات داخلی فراهم میکنند .

محصولات سینمائی بعضی ازکشورها معمولا بیش ازمقدار مصرف داخلی آنهاست وناچار باید برای آب کردن‌فیلمهای خود بازاری بدست آورندکه یگانه راهش تقویت عناصری‌است که فهمیده (یااحیاناً نفهمیده) خودرا دراختیارآنان‌قرار داده‌اند . اینها میکوشند باتهمت زدن وکارشکنی کردن وتبلیغات دامنه‌دار ، مردم را بصنعت بومی بدبین‌سازند ودرکشورایران (که‌ازاین‌نوع کشورهاست) متاسفانه تااندازه‌ای درکارخود پیشرفت کرده وتوانسته‌اند عده‌ای‌را بدورخود جمع نموده و علم مخالفت برافرازند .

پشتیبانی ما ازصنعت سینمای بومی نباید این توهم را پیش‌آورد که مابدون چون‌وچرا باوضع فعلی سینما درایران موافق‌هستم وحاضریم درراه توسعه فیلمهای ناباب کوشش بخرج دهیم بلکه باید درنظرداشت که اینگونه تهمت‌ها وافتراهااز جانب همان عناصرمتوجه ما میشود زیرا خودما بارها تذکرداده‌ایم که هرگزبااین اوضاع بلبشوی استودیوهای ایرانی و تعداد روزافزون (والبته مصنوعی‌وبیقاعده آنها) موافق نیستیم و باید فکرجدیدتری عرضه کرداما درضمن این عقیدهٔ راهم نداریم که صنعت نوزادسینمای بومی ایران رااز‌بین ببریم و دوباره کاخ جدیدی بنا کنیم ... اینکارسالهاوقت لازم‌دارد . بایدوضع موجود را اصلاح کرد و این اصلاح باید توسط کسانی صورت گیردکه واقعاً بکارسینما علاقمند باشند .

دسته دیگری هستندکه با فیلمهای فارسی مخالفت میورزند . این دسته از اشخاصی تشکیل شده که مخالف اصولی سینما نیستند بلکه همان علاقه شدید بسینما آنهارا وادارکرده که بافیلمهای فارسی کنونی از درمبارزه درآیند .

عقاید اینها بجای خود صحیح وقابل دقت است ولی عیبی که ایندسته‌دارد همان انتقاد خشك‌وخالی—بدون‌نشاندادن راههای‌جدید جهت‌اصلاح‌اوضاع- می‌باشد که البته قابل قبول نیست . باید ازاین آقایان پرسید شماکه میل‌دارید صنعت سینمای ملی ما دردنیا وزن وقرب مناسبی پیداکند و در صورت‌آماده بودن زمینه عمل ، درکشورهای خارجی فیلمهای ایرانی هم نمایش داده‌شود ، چرا راههائیرا که برای اصلاح یاتغییر وضع بلدمستید نشان نمیدهید واز همان‌گوشه وکنار فقط انتقاد میکنید ؟

درهر صورت صفحات مجله ستاره سینما دراختیارکسانی‌است که علاقه‌شدید بسینمای ملی‌ایران دارند و میخواهند خود مستقیماً بدون‌سینه زدن زیرعلم فیلمهای خارجی — سینمای قابل استفاده‌ای داشته باشند و ما از علاقمندان دعوت‌میکنیم که عقاید خودرا طی مقالات مستند ومنطقی برای درج در مجله مابفرستند و در ضمن یکباردیگر تذکرداده میشودکه ایمان ما نسبت به‌محصولات داخلی باعث نفی‌آثار خوب خارجی نیست زیرا معتقد هستیم هنر در هراباسی که باشد متعلق بتمام مردم جهان است .

ستاره سینما

هفتگی

دارنده‌امتیاز ومدیر: پ- گالستیان

زیرنظر : کاظم‌اسماعیلی

شماره نوزدهم — چهارشنبه‌هامنتشرمیشود

محل‌اداره: خیابان‌منوچهری‌پاساژلعل

بهای اشتراك سالیانه ۳۰۰ ریال

تکشماره ٦ ریال

در این شماره

مقاله	صفحه
سرمقاله	۲
نهضت‌هنری ...	۳
فالگوش	٤
اخبار	٥
سینمادرایران	٦ و ۷
موسیقی‌و سینما	۸
ژان گابن	۹
دوشاهی امید	۱۰
نامه‌های‌جالب توجه	۱۱
وبدینطریق‌فیلمی ...	۱۲
جمشید مهرداد	۱۳
چهارراه حوادث	۱٤و۱٥
پاسخ خوانندگان	۱٦
فیلمهای‌آینده	۱۷
سینما درخرمشهر	۱۸
مسابقات	۱۹
دربارانداز	۲۰و۲۱
آگهی‌داریوش‌فیلم	۲۲
کمپانی یونایتد آرتیستس	۲۳و۲٤
بقیه‌ها	۲٥
انتقادفیلم	۲٦
فکاهیات	۲۷
آگهی‌سینما کریستال	۲۸

عکس روی جلد

ناصر ملك مطیعی - مودین - آرمان دریك صحنه از فیلم «چهارراه حوادث» که طی ریرتاژ جالب توجهی در صفحه های ۱٤و ۱٥ معرفی‌شده است .

شرکت چاپ گهر

نهضت هنری نئورئالیزم و تأثیر آن در سینمای دهساله اخیر ایتالیا

(۹)

بقیه از شماره قبل

دکتر ضیاء قهاری

متور آنسن سینما

نکته دیگری که در این فیلم بچشم میخورد فقدان وحدت است که بر خلاف «اس - او - اس ۱۰۳» کمتر در آن وجود دارد مواردی نیز هست که صحنه‌ها در آن ضد و نقیضند از همه گذشته باوجود اینکه مبنای اولیه فیلم آن بوده است که تا آن جا که ممکن است فیلم واقعی جلوه کند با این حال جاهائی را که متور آنسن در فیلم نشان میدهد چون واقعا محلهای مورد نظر نمیباشند و عینیتی در نشاندادن محل مشهود نیست، صحنه‌ها هم بهمین لحاظ کمتر واقعی جلوه می کنند و در حقیقت بادر نظر نگرفتن «عینیت مکان» متور آنسن اثر را از حال نئورئالیستی تا اندازه‌ای بدر آورده است بادر نظر گرفتن موارد مورد انتقاد فوق با اینحال پاکی و سادگی صحنه‌ها را نمی توان نادیده گرفت بعلاوه. همچنانکه در بالا اشاره شد چون فکر تعصب ملی کم کم بانفوذ جنگ به نوعپرستی مبدل شده بود در این فیلم نیز با وجود اینکه جنگ و تعارضی بین قوای دشمن و دولت در فیلم دیده می شود هیچگاه طرفداری زیاد از یکدسته خاص نشده و بدین ترتیب فیلم مورد تحسین دوست و دشمن قرار گرفته بطوریکه در بحبوحهٔ جنگ نیز آزادانه در میان قوای دشمن و دوست و بی طرف نمایش داده میشد و هیچگاه نمایش آن کوچکترین زیانی بکسی وارد نمیاورد

در شماره های پیشین تا اندازه ای درباره « اوکوستوجنینا » سخن رفت برای تکمیل گفته خودناچاریم بتوضیحات دیگری که ذیلا آورده می‌شود بپردازیم زیرا سهم اولیز در پیشرو بودن نسبت به هنرمندان نئورئالیست بزرگ است (جنینا) بطوریکه گفته شد درسال ۱۹۳۹ (تسخیر آلکازار) یا (قصر) را گرداند این فیلم در میان فیلمهای نخستین که بوی نئورئالیسم می دادند و مخصوصاً چون یك واقعیت تاریخی را درخود گرفته حائز اهمیت است صحنه‌ای را که پسر سرهنگ موسکاردو در میان خطوط سرخ بپدرش تلفن می کند که خودش را تسلیم نماید و پرچمی را که روی مجسمه شارل پنجم گذاشته‌اند میتوان برای مثال آورد که از خلال تاریخ اقتباس شده‌اند. متاسفانه در مواردی کارگردان از فیلمهای عادی امریکائی تقلید نموده واز ارزش هنری فیلم کاسته است چنانکه مثلا فیلم نشان میدهد پس از هفتاد روز محاصره که همه مردم مرده و بیحال افتاده اند و کسی وقت بخود پرداختن را ندارد و زنها هم مسلما در چنین موقعیتی قبل از توالت کردن هزاران کار لازم و فوتی دارند بعلاوه گرسنگی و رنج آن ها را قاعدتاً باید ناتوان و رنجور کرده باشد با اینحال بر طبق اصول سینمای تجارتی امریکا کارگردان قیافه های توالت کرده و پاکیزه و تازه از زیردست مشاطه بیرون آمده زنان را نشان می دهد که شاداب و تازه نفس باجرای دل خود می پردازند و عینا مثل فکلی هائی هستند که با پاپیون و یقه های آهاری بجنگ رفته باشند و یا پس از هفتاد روز مراوت و جنگ در بحبوحهٔ آشوب آنها را با فکل نشان بدهیم باوجود این از آنجا که اثر (جنینا) صفات پاکی از بشریت را دربر گرفته و شهامت و جسارت و مردانگی را تایید نموده است بعلاوه از لحاظ تکنیك نیز رعایت اصول سینمائی منجمله اصل حرکت وجنبش صحنه ها را نموده و همراه با درام درونی تماشاچیان راه رفته است، می توان خبط اورا در مورد صحنه زنها نادیده گرفت.

آنجا که قلمه برروی مینها منفجر میشود وموقعی که ملیون آنرا نجات می دهند بخصوص درام فیلم خیلی قوی است رویهمرفته میتوان گفت هرگاه صحنه های مستند جنگ دوم که اندکی بعد باب شده است نیز در این فیلم جای گرفته بود مسلما اثر جنینا قدرت زیادی پیدا می کرد و از حال نیمه کلاسیك و تاریخی و نیمه نئورئالیستی بدر می آمد و یك فورم جدیدی به خود می گرفت.

« اوکوستوجنینا » فیلم های دیگری هم در سال ۱۹۴۲ و ۱۹۴۳ برروی همین تم جنگی تهیه کرد که عبارتند از:

فیلم « بنغازی-Benghasi » که موضوع آن جنگ تریپولی است و (مازنده ها) که جنگ ایتالیائیها را برعلیه روسیه نشان می دهد.

اولین فیلم کمیك نئورئالیستی

چنانچه سابقه تاریخی (الساندرو بلازتی) را درنظر بگیریم باید او را یك شاعر مداح تاریخ نام بدهیم که بیشتر با ایجاد آثاری چون « فابیولا » و « تاج آهنین » (که در تهران بنام تاج مقدس آن را نشان دادند) و (پاسبان قدیمی) و (بل آخرین آه ها) توانسته است تاریخ و قصه را باهم درآمیخته واز میان آنها افسانه وارگام بر داشته و گریبان موفقیت و کامیابی را گرفته و بآسمان آرزوها بالا برود.

با اینحال بلازتی در آثار جنگی خود نیز هیچگاه دست از روح کمیك و طنز برنداشته و حتی اغلب فیلمهای جدی او نیز یك کمدین دارند که کارهای مسخره دیگران را بیاد ریشخند میگیرد. نمونه این فیلمها (مضحکه تأثر آور) و (روسیی فلورانس) و (سالواتوروزا) میباشد

با اینحال نظر ما از یاد آوری این آثار فقط یك آشنائی ذهنی خواننده بود بروح طنز و ریشخند کننده کارگردان « چهارگام در ابرها » تا خواننده متوجه سوابق سازنده این فیلم باشد. فیلم (چهار گام در ابرها) اولین فیلمی است که با داشتن صحنه های واقعی و مستند در نوع کمدی برداشته شده و در آن بلازتی سادگی وزود باوری ایتالیائیها را بخوبی توصیف کرده است. نوع کمیك این فیلم فقط از کوشش کارگردان برای یافتن نقاط خنده وخنده آور زندگی حاصل نشده بلکه کارگردان موفق شده است طبع ایتالیائیها را که نوعاً و در اصل کمیك است روی پرده بیاورد واین همان نوع کمیکی است که در فیلم (دزد ها و پاسبانها) بعداً ظاهر میشود.

این کمیك عمقی در نهاد ایتالیائیها نهفته است و انتخابی نیست. نوع فکر مردمان عادی طبقه سوم و یا زندگانی خانوادگی واز همه مهمتر نوع دیدن چیز ها ووقایع بهمانصورت که واقعاً هستند بدون هیچگونه «شیله پیله» و « فکر مخصوصی » اساس کمیك بلازتی را در فیلم « چهارگام در ابرها » تشکیل میدهند.

صحنه ایکه در آن اتوبوسی در میان میدان چرخ میزند و زن شوفر میخواهد وضع حمل بکند، قیافه و حرکات و حرفهای مسافرین، ایست و توقف ناگهانی اتوبوس از یکطرف وصحنه خوراکهای عروسی و شوکلات فروش وصحبت های او ازطرف دیگر تمام نشانه نگاههای دقیق وعمیق و درعین حال تمسخر آمیز بلازتی است بر روی زندگانی روزانه هموطنان خود و در این صحنه‌ها تماشاچی از دوجانب خنده

(بقیه در صفحه ۲۵)

فیلم «کجا میروی ؟» توقیف شد !

بطوریکه شایع است فیلم رنگی با عظمت «کجامیروی؟ یاهوسهای امپراطور» باشتراك «رابرت تایلور» و «دیوراکار» که سینماایران ازمدتها پیش وارد کرده و درانبارنگاهداشته بودو بعدازماهها وعدو وعید قراربود درفصل سینمائی امسال به معرض نمایش مردم بگذارد، توقیف شده است .

این فیلم‌را سینماایران از سالها قبل تصمیم داشت بخرد ولی بواسطه گرانی قیمت آن موفق نمیگردید تااینکه درسال گذشته این فیلم راکه دراکثر کشورهای جهان بمعرض نمایش گذارده شده بود به‌مبلغ ۲۵۰۰۰۰ تومان‌ازکارخانه (مترو) خریداری کرد وقرار بودفیلم مزبوررادر هفته آینده نمایش دهد وتمام مقدمات کار کاررا نیز فراهم کرده‌بود ولی‌معلوم‌نیست روی چه عللی بعداز صدور پروانه نمایش ازنشاندادن آن جلوگیری کردند ؟

سینما ایران

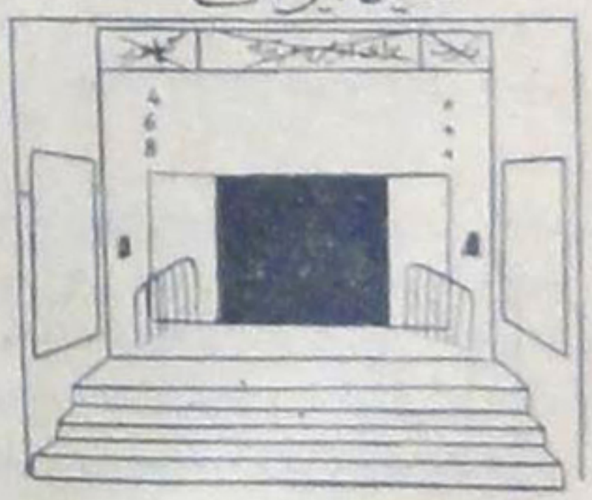

باوجوداین امیدمیرودبزودی باجرح وتعدیل مختصری که دربعضی ازصحنه‌های آن بعمل خواهدآمد اجازه نمایش آن دوباره صادر گردد .

پروفسور اوهانیان درتعقیب «سوار سفیدپوش»

پروفسوراوهانیان که یکی ازپیش‌قدمان صنعت فیلمبرداری ایران بشمارمیرود ومدتی بود ازکارفیلمبرداری دست کشیده

بود بتازگی بکارسینما برگشته وتصمیم‌دارد تاچندماه دیگریك فیلم فارسی تهیه نماید سناریوی این فیلم‌را خوداوهانیان نوشته وکارگردانی آنرا نیزشخصاً انجام میدهد ولی‌ازنقطه نظرمالی بایکنفرسوئدی‌شرکت کرده زیرا تصمیم‌براینست که این فیلم را بعد ازنمایش درایران بخارج بفرستند نام این فیلم «سوارسفید» میباشد ولی چون هنوز هنرپیشه‌ای که بایستی این رل را ایفاکند انتخاب نشده اوهانیان‌فعلامشغول تهیه صحنه‌های تعقیب «سوارسفید» در درکوهها ودشتها میباشد ولی‌معلوم‌نیست که منظوراوازاین کار پیداکردن شخصی است که رل سوار سفید را بعهده بگیردیا اینکه درتعقیب سواریست که فعلا وجود خارجی ندارد ! ؟

دوبله فیلمهای فارسی توسعه پیدا میکند

استودیو «برناتن» که بتوسط مستر «نایمن» امریکائی برای دوبله فیلمهای خارجی تأسیس شده کارخودرا توسعه داده واکنون مشغول دوبلاژ چند فیلم میباشد اولین فیلمی‌راکه‌این‌استودیو دوبله کرد؛ «شیطان فراری» بودکه درسال گذشته بمعرض نمایش گذارده‌شد . فیلمهائیکه‌این استودیواکنون مشغول دوبله کردن آنها میباشد عبارتند ازفیلم عربی «امیرجزیره» وفیلم ایتالیائی «زندانی» وفیلم‌انگلیسی «چشمان‌سیاه‌لندن» و (ملکه‌آفریقا) که فیلم‌آخری باشتراك (همفری بوگارت) و (کاترین هپبورن) میباشد .

استودیو سانترال کارگردان جدیدی پیدا کرده است

استودیوی سانترال که درحال حاضر از نقطه نظر وسائل فیلمبرداری مجهز ترین‌استودیوی ایران بشمارمیرودبالاخره پس از یکسال بیکاری اخیراً کارگردان جدیدی پیدا کرده است این کارگردان سیامك یاسمی‌است که تاکنون در «پارس فیلم» کارمیکردو آخرین‌فیلم او برای این استودیو «راهزن» باشتراك‌زرندی‌وآرین میباشد سیامك‌یاسمی‌درطی قراردادتازه‌ای که با سانترال فیلم منعقد کرده بزودی اولین فیلم این استودیو را کارگردانی خواهدکرد وچون دیگر(کمبود وسیله!) برای تهیه یك فیلم‌خوب دراین استودیو وجود خارجی ندارد باید دیدکه آیااین استودیو موفق به تهیه یك فیلم‌بدون‌عیب ونقص خواهد شد یا نه ؟

دلکش در استودیوی عصرطلائی!

دلکش که‌ازبدوورودبکارسینما فقط درفیلمهای استودیوی پارس‌فیلم شرکت میکرد وبهیچوجه حاضرنبود پای خودرا ازاین استودیوبیرون بگذارد برای‌اولین بار طی قرارداد تازه‌ایکه با استودیوی عصرطلائی منعقدکرده‌است حاضرشده در یك فیلم کمدی موزیکال این استودیوکه بزودی تهیه آن آغاز خواهد شد بازی نماید واکنون مشغول‌پرکردن آهنگهای مربوط باین فیلم میباشد اماعلت‌اینکه دلکش‌تصمیم گرفته دراستودیوهای دیگر نیزکارکند بقراراطلاع دو چیزاست یکی اینکه وی‌ازآخرین فیلم خودبنام(دسیسه) چندان راضی نیست وثانیاً مقداریولی را که برای بازی دراین فیلم خواهدگرفت بیش ازمقدار متعارفی خواهدبود .

تازه ترین اخبار سینما

فقط یك جی شانس

« رابرت واکنر » اکنون از هنر پیشگانیست که آینده مطمئنی دارد و خیالش از هر حیث راحت است با وجود این علی رغم توصیه دولت آمریکا که اعلام کرده است سهام شرکت های کشف معادن اورانیوم را مردم نخرند، قبل از عزیمت برای بازی درفیلم « پرسفید» یك هزار سهم یك دلاری از یك معدن اورانیوم را ابتیاع کرد وچون مراجعت نمود سهام شرکت هر کدام چهل دلار قیمت داشت !. اصولا وقتی شانس بآدم روی آورد پول از در ودیوار (وحتی ازمعدن اورانیوم) برایش میبارد !

یکی ازانواع شکایت !

هفته قبل « جین کنت » هنرپیشه مشهور انگلیسی بدادگاه شکایت کرد که استودیو های انگلیسی همیشه رلهای بد باو میدهند و نمیخواهند بفهمند که او قادر است دررلهای درام و کمدی مثبت هم هنرنمائی کند .

این اولین باریست که ستاره‌ای به این عنوان از دست استودیو ها شکایت می کند وچنانچه دادگاه له (جین کنت) وعلیه استودیو ها رأی دهد، سنتی خواهد شد که متعهد سایرهنرپیشگان ناراضی به توانند بمیل خود رلهای خوب بگیرند.

زمین لرزه !

باز امپراطوری روم قدیم بهیجان آمده است ! لابد فکرمیکنید که نیروهای امپراطوری ایران بآن حمله کرده یا این که قبایل وحشی «هون» این کشورزیبا وبا عظمت را دستخوش تاراج خود قرار داده‌اند یا اینکه «نرون» جبار بازهوس تازه‌ای بسرش زده‌است ...

اما هیچکدام ازاینها نیست.. این غوغا و هیجان علت مهمتری دارد و آن اینست که ستاره جدیدی به خیل زیبا رویان رومی افزوده شده‌است!

اکنون مهد تمدن روم باستانی را میتوان در حقیقت مهد پرورش پریرویان دلفریب دانست و درمیان آنها « سوفیالورن » را گل سرسبد فرض کرد زیرا این زن مه پیکر آن شهرتی را که سیلوانا منگانو و مریلین مونرو در عرض دو سال بدست آورده بودند، در طول مدت کوتاهی کسب کرد و حالا نه تنها درفیلمهای مهم وجالبی چون ابرای «آیدا» شرکت می کند، بلکه از طرف کمپانی های امریکائی نیز هرروز صدها پیشنهاد در یافت مینماید و ظاهرا ممکن است کمپانی یونیورسال در این میانه شانس بیشتری داشته باشد.

سوفیا لورن

سرباز !

بالاخره ناصرخان ملك مطیعی را هم به نظام وظیفه کشیدند وسرش را تراشیدند ! ملك مطیعی درحال حاضر میان مردم محبوبیت خاصی دارد و با اینکه مدتی است فیلمی از او نشان نداده‌اند معهذا این محبوبیت همچنان بجای خود باقی است .

خودش میگوید : از وضع خود درنظام راضی هستم وامیدوارم بتوانم فنونی یاد بگیرم که پس از مرخصی ، درفیلمها ازآنها استفاده کنم ...

ناصر خان فعلا بعضی شب ها در خیابانها پیدایش میشود وبرای اینکه مردم او را نشناسند عینك دودی می زند.. والبته معلوم است یکنفرسرباز که عینك دودی در شب بزند زود جلب توجه میکند و روی همین اصل اغلب سعی میکند از نقاط تاریك و خلوت عبور کند تا مردم مزاحمش نشوند ... درضمن این عکس خود را درلباس سربازی بمجله ستاره سینما خواننده گانش هدیه داده است .

اتفاق دوهنرمند

چندی قبل مل فرر با اودری هپبورن درلندن یکدیگر را دیدند و پس از آشنائی مختصری بذوق و احساسات موافق خود پی بردند وچون بامریکا مراجعت کردند بنا به پیشنهاد (مل فرر) ، دو نفری در نمایش «اونه‌بن» شرکت نمودند ... و بعد ، خوب دیگرمعلوم است ، نمایش با موفقیت روبروشد ودر نتیجه عشق شدیدی بین آندو بوجود آمد وچون هردو یکنوع ذوق هنری داشتند تصمیم گرفتند که تشریك مساعی کنند وحالا یك زوج خوشبخت هالیوود را تشکیل میدهند. اما خبرنگاران بیدست از حالا منتظرند که چه موقع طلاق آنها اعلام می شود زیرا عقیده دارند که درهالیوود هیچ ازدواجی پایدار نیست !

هنر و صنعت فیلمبرداری در ایران (۲)

حسن شیروانی

از سال ۱۳۱۵ تا سال ۱۳۲۴ که دکتر کوشان اولین فیلم دوبله فارسی بنام «دختر فراری» را در سینما کریستال به معرض نمایش گذارد هیچگونه فعالیت سینمائی در ایران نشد زیرا استودیوهای «پارس فیلم» و «ایران فیلم» بعلت نمایش فیلمهای ناطق فارسی تعطیل شدند و اوهانیان بهندوستان مسافرت کرد و از طرفی سپنتا هم دیگر فیلمی تهیه نکرد و دیگران هم بفکر تهیه فیلم فارسی نیفتادند.

دکتر کوشان که در کشور آلمان تحصیل کرده بود پس از فراغت از کار تحصیل در ترکیه چند فیلم فارسی را بنام (دختر فراری - دختر کولی - تاراس بولبا وزن سنگدل) بفارسی دوبله کرد و برای نمایش آنها عازم ایران شد.

اولین فیلم دوبله فارسی (دختر فراری) طرفداران بیشماری پیدا کرد و در نتیجه سرمایه قابل ملاحظه برای کوشان جمع آوری شد و با همان سرمایه استودیوی (میترا فیلم) تاسیس گردید.

دکتر کوشان برای تهیه اولین فیلم فارسی عده از هنرمندان ایران را بدور خود جمع کرد و از روی یکی از آثار «نظام وفا» فیلم «طوفان زندگی» را تهیه نمود کارگردان این فیلم علی دریابیگی و فیلمبردار آن خود کوشان و صدابردار آن مهندس انصاری بود.

رلهای اول زن آنرا بانوان (خواجه نوری، اینا و شبدو مودب) بازی میکردند و کیائی و معتمدی و بردیا عهده‌دار نقشهای دیگر آن بودند.

در اطراف فیلم طوفان زندگی زیاد سروصدا شد و همه منتظر دیدن این فیلم بودند بخصوص که شایع بود دریابیگی مدتی در استودیوهای «اوفا» رشته کارگردانی را مطالعه کرده و کارگردان متبحر سینما میباشد. فیلم بروی پرده آمد ولی آنطور که لازم بود چنگی بدل نزد و بهمین جهت مواجه با شکست شده استودیو میترا فیلم ورشکست و تعطیل شد.

کوشان بعد از تعطیل شدن استودیو میترا فیلم با اندوخته مختصر خود استودیو پارس فیلم را تاسیس نمود و فیلم «زندانی امیر» را تهیه کرد رل اول این فیلم را (طالبی) بعهده داشت. این فیلم هم مواجه با شکست شد و عوایدی نداشت.

پارس فیلم با تهیه فیلم «شرمسار» اولین قدم جدی را در راه سینمای ایران بر داشت شرمسار که سوژه آن از ادبیات خارجی اقتباس شده بود و سناریوی آن به وسیله علی کسمائی (نویسنده جراید و مترجم داستانهای خارجی) بصورت سناریو در آمده بود در استودیوی پارس فیلم بکار گردانی دکتر کوشان فیلمبرداری شد.

فیلم شرمسار از نظر تکنیک نواقص زیادی داشت ولی آهنگهای خالدی و قطعات آواز دلکش در تماشاچیان تاثیر فوق العاده نموده و مورد توجه تماشاچیان قرار گرفت.

هنرپیشه دیگری که در فیلم شرمسار نقش مقابل دلکش را بازی میکرد (حسین دانشور) بود.

دلکش و دانشور در آن فیلم محبوبیت بی سابقه‌ای کسب کردند و با درآمد آن فیلم وضع مالی پارس فیلم سروصورتی گرفت.

بطور کلی داستان فیلم شرمسار که از نظر سبک داستان رمانتیک محسوب می شد الگوئی شد برای سناریو نویسان بعدی زیرا در آن داستان دختری دهاتی از پسری شهری فریب میخورد و در حالی که نامزدی دارد بسیار محجوب که در محیط ساده و بی آلایش ده درس راستی و درستی فرا گرفته با آن جوان شهری روابط دوستانه برقرار مینماید و در اثر یک لغزش اخلاقی از پسر شهری باردار میشود و سرانجام گذارش به کانه‌های پست شهر ها می‌افتد و در آن اماکن نامناسب برای مشتریهائی که از چشمهایشان شراره های شهوت میدرخشد آواز میخواند و سرانجام خواننده شهیر شده و در رادیو تهران مشغول کار میشود (ضمنا بد نیست بدانید که عمل آنروز پارس فیلم باعث اعتراض وزارت پست و تلگراف و اداره تبلیغات گشت و دیگر بساحدی اجازه فیلمبرداری از ایستگاه رادیو تهران را ندادند ...)

پسر بدجنس هم در صحنه ای بدست نامزد دهاتی کشته شده بزندان میافتد و سرانجام پس از سالها پسر و دختر در همان ده بهم میرسند و در حالیکه دختر خانم دهاتی صاحب اتوموبیل و خانه و زندگی در شهر شده و مثلا خود او راننده اتومبیل است شلیته و شلوار پوشیده و بکار مشغول میشود!

اگر دقت نموده باشید سوژه فیلمهای بعدی اکثراً با این داستان شباهت دارند و در کلیه آنها: ده، کافه، خواننده، دادگاه، جوان معصوم، جوان بد جنس، دختر دهاتی دیده میشود که برای نمونه فیلمهای زیر را میشود نام برد (مادر - گل نسا - بی پناه - مراد - بر باد رفته - و...)

بعد از فیلم شرمسار از آنجا که بجهت استقبال شایان توجه مردم منافع سرشاری نصیب تهیه کنندگانش شد استودیو های متعددی در تهران تاسیس گردید و در هر خیابان تابلوی چند استودیو بچشم میخورد که در بین آنها جز چند استودیو صاحب سرمایه بقیه جز یک فیلم محصول دیگری تهیه نکردند و در همان قدمهای اول از بین رفتند استودیوهائی که با سرمایه نسبتا کافی تأسیس شده‌اند عبارتند از (پارس فیلم - دیانا فیلم - عصر طلائی - عقاب - سانترال البرز - ایران فیلم).

استودیوهائی که فقط یک فیلم تهیه کرده‌اند عبارتند از (تهران فیلم - مدائن شهریار - آذر - زهره - شهرزاد - شرق - ری - جهان - کاروان - کاویان - کاوه - ایران) و استودیوهائی که فقط تابلوئی ساخته‌اند و اعلان کرده‌اند (اورانوس - لوکس فیلم - آسیا - جلیل - اطلس) کار استودیوسازی کم کم بجائی رسیده بود که

زینت مؤدب و فرهاد معتمدی در یک صحنه از فیلم «طوفان زندگی» که هر چند شهرتی کسب نکرد ولی باعث پیدایش فیلمهای درام فارسی گردید

دلکش ودانشور درفیلم «شرمسار» ازفیلمهای درام معروف

اگر بدین منوال میگذشت باندازه دفاتر رسمی طلاق و ازدواج و یا بنگاههای معاملات ملکی استودیو فیلم برداری تأسیس میشد واما بحمدالله خطر رفع گردید!

بعد از استودیو پارس فیلم مؤسس استودیو بدیع باهمکاری علی دریابیگی (کارگردان فیلم طوفان زندگی) از روی سناریوی (شکارخانگی) باشرکت تفکری وروحبخش یك فیلم کمدی موزیکال تهیه کرد ولی از آنجاکه سناریوی آن ضعیف وکوتاه نوشته شده بود وکارگردان آنهم بی سلیقگی هائی بخرج داده بود آنطور که باید از آن فیلم استقبال نشد.

تنها چیزی که در فیلم شکار خانگی جالب بود بعضی از اصول فنی فیلم وتروك های سینمائی آن بود واز همان ریزه کاری ها میشد آینده درخشان مهندس بدیع فیلمبردار آن فیلم را پیش بینی کرد.

اصولا فیلمهائیکه بنام کمدی تاکنون در ایران تهیه شده اکثراً «کمدی سینمائی» نیستند زیراحرکت در آنها آنطور که لازم است مشاهده نمیشود وتنها هنرپیشه (مثل تئاتر) با جملات مضحك ومسخره می خواهدمردم را بخنداند وحال آنکه کمدی نویسی سینما مشکل ترین رشته سناریو نویسی است وهمچنین کارگردانی وفیلم - برداری آن همه ذوق و سلیقه مخصوصی میخواهددر کمدی سینمائی صحنه ها باید بسیار متنوع و پرانتریك باشد ، میزآنسنها باید پرهیجان و «دینامیك» بوده و بابرخورد های جالب تماشاچیان را بخنده وادارند در سینما آنقدر که چشم بانسان لذت می دهد گوش نمیدهد ، یعنی هنر سینما هنر تصاویر است نه هنر کلمات و بهمین جهت است که هنرمندان سینما دنبال تنوع می روند و ازصحنه های یکنواخت و آرام میگریزند.

تنها فیلمهای کمدی که تا حدی این نکات در آنها رعایت شده بود فیلم (دزد عشق و دخترچوپان) بود.

در فیلم اولی که محصول پارس فیلم میباشد مجید محسنی هنرپیشه اول آن به عنوان تنها هنرپیشه کمدی سینمای ایران انتخاب ومعرفی گردید.

گو اینکه محسنی بتقلید از حرکات کمدین های سینمائی امریکا (دانی کی و راسکلتون و ...) اغلب خوشمزگیهایش اصالت نداشت ولی بازکارش خوب وقابل پسندبود ودرفیلم دومی یعنی دخترچوپان عیب مذکورهم تا حدی مرتفع شده بود و هنری تر و بهتر بازی میکرد.

فیلمهای کمدی دیگری که در این چند سال تهیه شده عبارتند از سری فیلم های خطیبی (دستکش سفید ، زنده باد خاله - حاکم یکروزه - محکوم بازدواج)

نوشته های خطیبی خالی از لطف نیست ولی از آنجاکه کلیه آنها شانزده میلی- متری وبا تکنیك ضعیف وبدون کارگردان وارد تهیه شده جزو فیلمهای متوسط بشمار میآیند خطیبی ذوق نویسندگی دارد وداستان های کمدی را خوب تنظیم مینماید قلمش شیرین و مورد پسند اجتماع میباشد ولی نباید فراموش کرد که اینها برای تهیه یك فیلم خوب کافی نیست دربین کمدیهای دیگری که در استودیو های مختلف تهیه شده و تا کنون نمایش داده اند میتوان (مشهدی عباد وقلملی) با شرکت تفکری را نامبرد وچندفیلم مبتذل دیگرهم بوده که اغلب در تهران نمایش داده شده اندولی بهمان علل که ذکرشد مردم بآنها توجهی نکردند وحتی بعضی ازآنهامثل (دستبرد) را در تهران نتوانستند نشان دهند و در شهرستانها هم با اعتراض مردم روبروشد فیلم «همسر مزاحم» محصول دیانا فیلم نیزهنوز تکلیفش روشن نیست ودیانافیلم جرئت نمایش آنرا ندارد . (ناتمام)

... «جان آکار» شوهر «شرلی تمپل» علاوه برهنرپیشگی آهنگها وتصنیف های خوب میسازد ودرآمدش ازاینراه بیش ازعایدی اواز هنرپیشگی است!

... «اسپنسر تراسی» در مدت سی سالی که درسینما کار کرده فقط ۱۴ روز بمرخصی رفته است!

.. ستاره ایده آل مردان آمریکائی باید ، چشمان لودن باکال ، مو های مورین اوهارا ، دهان لیندادارنل ، سینه جین راسل و ساق پای بتی گریبل را داشته باشد!

چگونه میتوان از موسیقی فیلم لذت برد ؟

نادر امانی

برای خوانندگان محترم پیش آمده است که از مشاهده فیلمی آنطور که باید وشاید لذت نبرده‌اند ، با اینکه بموضوع فیلم نمیتوانند ایرادی وارد کنند برای آنها مشاهده چنین فیلمی بادیدن یك پیس تاتر ممکن است یکسان باشد .

علت این عدم لذت را باید در نقصان یك عامل مهم سینما جستجو کرد این عامل موزیك متن آنست . هنرپیشه صحبت میکند واز غم وشادی سخن میگوید . آیا میدانید زبان واقعی سینما چیست ؟ کسانی میتوانند باین سؤال جواب گویند که وقتی در روی پرده سینما منظره‌ای صامت می بینند گوششان ندای آسمانی آنمنظره را اززبان فصیح موزیك برایشان باز گو کند .

اگر آماری ازسینماروهای این کشور تهیه کنیم می بینیم عده‌ای که عمیقا ازفیلمها لذت میبرند کسانی هستند که فهم موسیقی آنها قویست ورابطه بین جریانات عینی وذهنی فیلم و موزیك متن آنرا بنحو دقیقی درك می کنند . موضوعی که امکان درك موسیقی را درسینما آسان و تسهیل میکند آنست که موزیك فیلم مطلقاً یك موسیقی توصیفی است و حتی از موسیقی کلاسیك توصیفی واضح تر و لذت بخش تر وصف میکند .

اما نکته‌ای را که باید توجه کرد آنست که بعضی کمپانی‌های فیلمبرداری برای آنکه هیجان بیشتری در بینندگان تولید کنند بسازنده آهنك دستور میدهند از تمام امکانات فنی ارکستر سمفونیك و قوانین « ارکستربندی – Orchestration » استفاده کنند و برای آنها چندان مهم نیست که این استفاده صورت یك عمل اغراق آمیز زننده را بخود بگیرد .

نظر چنین موزیك‌هائی در فیلمهای پرزد و خورد هالیوود شنیده میشود که اگر نظیر آنرا درفیلمهای پر ارزشی مثل «مکانی در آفتاب» و «اتو بوسی بنام هوس» گذارده و بگوش بینندگان رسانیده بودند ارزش آنهارا شاید بصفر نزدیك می کرد یك موسیقی اغراق آمیز فقط میتواند یك حالت نشئه موقتی در بیننده ایجاد کند که این حالت نشئه بزودی جای خود را بیك حس بدبینی وخستگی روحی میدهد بطوری که میتوان اثر چنین موزیکی را بااثر دخانیات ودیگر مواد مخدره مقایسه کرد زیرا بالاخره هدف همه اینها روح ماست ودیدن یك منظره سینمائی بروی اعصاب ما اثر میکند . استعمال دخانیات و یا شنیدن یك آهنك هم دراعصاب و روح ما مؤثر واقع میشود . منظور اینست همانطور که اثر دخانیات ویاالکل روی اعصاب موقتی است ، شنیدن یك موسیقی پرسروصدای پوچ هم بخصوص همراه باحوادث بی‌سر و ته دارای اثری موقتی است و شما خوانندگان عزیز که سینمارا برای تسکین روح خود میخواهید، بدون شك هرگز بدیدن چنین مناظر وشنیدن چنین آهنگهای خستگی آور وملال انگیز رضایت نمیدهید.

لابد اسم این سه نابغه عالم سینمارا شنیده‌اید ایزنشتاین متور آنسن بزرك روسی - چارلی چاپلین هنرپیشه ومتور آنسن شهیر ومحبوب و رنه کلر کارگردان باسابقه فرانسوی. اینها هرسه معتقدند که لازمه لذت بردن از سینما دارا بودن فهم موزیك است آیزنشتاین برای موزیك بیشتر فیلمهایش ازموسیقیدان بزرگی چون پروکوفیف استفاده میکرد وسناریورا ماههای متوالی در اختیار اوقرار میداد تااین موزیسین عالیقدر تمام جزئیات حتی نکات باریك و پسیکانالیزرا باموزیك درآمیزد و بااین همکاری پرارزش یك اثر سینمائی بزرك بجامعه عرضه میداشت که موسیقی واقعاً در آن زبان سینما بشمار میرفت.

رنه کلر هم بموزیك اهمیت فوق العاده میدهد ومعتقد است درسینما اول تصویر مهم است ودوم موسیقی متن آن و گفتگورا در درجه سوم اهمیت قرار میدهد و میگوید اگر گفتگورا ازفیلمی حذف کنند بشرطی که دارای موسیقی مناسب وجالبی باشد چندان درلذت بردن از آن فیلم تفاوتی حس نمیشود .

درمورد چارلی چاپلین نیز همانطور که خوانندگان عزیز میدانند خود او اغلب سازنده آهنك فیلمهای خودش است . چارلی آنقدر بموزیك فیلم اهمیت میداد و میدهد که خودش شخصاً موسیقی را بطور عمیق آموخت وبابهترین طرزی با فیلمهایش چه صامت وچه ناطق درآمیخت مثلا درفیلم «روشنیهای شهر» که چندماه قبل درتهران نشان دادند در صحنه‌ایکه چارلی دختر گلفروش کوری را بانوازش‌های بشر دوستانه‌اش بزندگی امیدوار می کرد وباو نویدمیداد که بالاخره نابینائی او رفع خواهدشد چارلی فقط با دو ویلن ویك ویلن آلتو یعنی سه‌ساز زهی احساسات رفیق عشق بی آلایش خود را نسبت بدختر گلفروش ابرازمی کرد...

البته این ابراز احساسات و عشق را ما اززبان موزیك می شنویم وبعلاوه میبیك و حرکات آندو نیز دارای نقش بسیار مهمی است .

دراینجا لازم میدانیم نکاتی چند را برای اطلاع استودیوهای ایرانی گوشزد نمائیم : ما برخلاف عده‌ای که دائما به فیلمهای ایرانی تاخت میآورند معتقدیم که بایستی نقائص رابآنها یادآوری کرد وسعی نمود که فیلم ایرانی درراه ترقی و تعالی بیافتد والبته نظر آندسته وعده هم همین است منتهاراه رانشان نمی‌دهند . بحث ما درباره موسیقی متن فیلم است برای آنکه استودیوهای مابتوانند فیلمهای خود را پرارزش سازند همانطور که در گفتار پیش ذکرشد لازم است موسیقی متن فیلم وصحیحی برای آن تهیه کنند . برای این کار استفاده ازصفحه مانعی ندارد امابشرطی که این کار تحت مدیریت ونظر یك موزیسین قابل باشد ، موزیسین یا آماتوری که بسبك‌ها وتفسیر قطعات موزیك کاملا وارد باشد . اما کار صحیح تر آنست که موزیك متن فیلم رابیك آهنگساز سفارش دهند واو بامطالعه دقیق سناریو، موسیقی کاملا مناسبی برای فیلم بسازد .

دراینصورت است که یك تماشاچی واقعاً ازیك فیلم محصول میهن لذت میبرد ودرضمن تاریخ صنایع سینمائی ما نیز از یك وسیله مهم یعنی موسیقی مثل سایر کشورهای مترقی استفاده صحیح خواهد کرد

چارلی درحال نواختن ویلن سل

و این هم شرح زندگی هنرمندی است که جایزه بهترین هنرپیشه سال را در فستیوال «ونیز» ربود

قبل از اینکه فستیوال بین‌المللی فیلم ونیز موفقیت وشهرت فعلی را بدست بیاورد در ابتدای امر مردم و مطبوعات سینمائی نسبت باین امر نظر خوشی نداشتند وحتی با نظر تمسخر واستهزاء بعمل برپا کنندگان این فستیوال مینگریستند . تا این که بالاخره فستیوال ونیز موفق شد در جهان اعتبار و و شهرت قابل ملاحظه‌ای کسب نماید و بطوری که در چند شماره قبل از نظر خوانندگان عزیز گذشت ، فستیوال سال ۱۹۵٤ ونیز باشکوه هرچه تمامتر و با شرکت کشورهـای مختلف جهان بپایان رسید . منقدین و داوران فستیوال مزبور جایزه امسال فستیوال را به «ژان گابن» هنرمند مشهور فرانسوی دادند . ژان گابن در فستیوال بخاطر بازی هنرمندانه وعمیق خود در دوفیلم «گریسبی دالمس نکنید» و «هوای پاریس» بهترین هنرپیشه مرد شناخته شد . دوفیلم مزبور ازلحاظ سناریو وسبك کاملا نقطه مقابل یکدیگر میباشند باین معنی کـه فیلم اولی ، یك اثر پلیسی وپرزدو خـورد میباشد وفیلم « هـوای پاریس» برعکس یك فیلم درام و آموزنده محسوب میشود. ژان گابن در فیلم « گریسبی دالمس نکنید» نقش یکنفر گانگستر را بقدری طبیعی و استادانه ایفا میکند که در فستیوال بهترین هنرپیشه مـرد شناخته میشود و از طرف دیگر در فیلم «هوای پاریس» دل محوله را که عبارت باشد از یکنفر قهرمان سابق مشت‌زنی ویك شخصیت نفع طلب به بهترین نحوی مجسم می‌سازد و بدین ترتیب تا کنون سابقه نداشته است هنر پیشه ای با ایفاء دو نقش متضاد درهیچیك از ممالك برنده جایزه‌ای گردد .

وقتی «مارسل کارنه» کار گـردان شهیر فرانسوی مقدمات تهیه فیلم «هوای پاریس» را آمـاده می‌ساخت در جـواب خبرنگاران که راجع بچگونگـی فیلم و هنرپیشه اول آن ازوی سئوال کرده بودند اینطور پاسخ گفته بود : داستان این فیلم برداشتی از زندگی درد آلود یك قهرمان مشت‌زنی است ، مشت‌زنی که بخاطر تامین زندگی خود مجبور بفروش نیروی جوانیش میگردد ومرد استفاده‌جوئی که وی را با پول برای استفاده بیشتر خریده ودر اختیار خود درمی‌آورد . مارسل کارنه سپس در دنباله سخنان سود در باره هنرپیشه اول فیلم می‌افزاید :... «بدین ترتیب اثری که من قصد تهیه آنرا دارم ، ازحیث سنگینی داستان وسبك کاملا قابل توجه خواهد بود وبطوری که میدانید نقش اول این فیلم را ژان گابن بعهده خواهـد داشت ومن بجز وی نمیتوانم هنرپیشه دیگری را برای این رل مشکل درنظر بگیرم »ژان گابن تنها هنرپیشه‌ایست که همواره پرسوناژهـای مختلف را بدون اینکه رژیسور دچار اشکال بشود به بهترین وجهی مجسم میسازد و ازاین حیث یك وجه امتیاز کلی برسایر هنرپیشگان دارامی باشد .

ژان گابن درمیان توده حقیقی اجتماع زندگی خودرا قبل از اینکه وارد سینما بشود گذرانده است و اغلب نقشهائی را که بعهده دارد تجسمی از شخصیت هـای گوناگون اجتماع می باشد وی عقیده دارد که یك هنرپیشه خوب بایستی همواره نقشی رامناسب بازندگی وروحیات وی است ایفا نماید و همچنین نقش خود را وقتی بعهده گرفت آنرا بعنوان یك مسئولیت بـزرك تلقی کرده وحتی ازکوچکترین نکته‌ای غافل نمانده تا آنجا که ممکن است سعی کند در کارش نقطه ضعفی وجود نـداشته باشد .ژان گابن وقتی در فیلم « انسان وحشی » اثر «امیل زولا» دل یك لوکو - موتیوران را بعهده گرفت ، حتی خودش فکر نمیکرد این نقش بظاهر ساده را درست آنطور که بایدمثل یك لـوکوموتیوران حقیقی ایفا نماید . از اولین فیلمهای ژان گابن که با موفقیت مواجه شد بـایه «ساحل مه آلود» اثر مارسل کارنه رانام برد. موفقیتی که دراین فیلم نصیب ژان گابن شد درحقیقت پایه موفقیتهای درخشان بعدی وی بود وفیلمهای «روز آغاز میگردد» اثر مارسل کارنه - «پشت طارمی ها» اثر رنه کلمان موفقیت اورا دوچندان ساخت.

ژان گابن در کشورهای آمریکاو ایتالیا نیز با موفقیتهای درخشانی مواجه شد و از فیلمهائی که در هالیوود بازی کرده میتوان «قرص ماه» با «آیدالوپینو» را نام برد .اکنون قریب پنجاه سال ازعمر این هنرمند میگذرد ودرطی زندگی سینمائی خود آن مقدار که ازسعی و کوشش فرو گذار نکرده است، بهمان اندازه نیز کسب موفقیت وشهرت نموده است وهمواره درتاریخ سینما بنام یك شخصیت سینمائی جاودان ازوی نام برده میشود.

☆☆☆☆☆ دوشاهی امید

فیلمی که زندگانی حقیقی و عشق واقعی را مجسم نموده و نشان میدهد که برای انسانها همیشه دوشاهی امید یافت میشود

فخرالدین قهاری ☆☆☆

... «آنتونیو» پس از اتمام خدمت سربازی درحالیکه غرق در خوشحالی زایدالوصفی است بادردست داشتن ورقه پایان خدمت بدهکده خانوادگی خود بازمیگردد او خوشحال است ولی درعین حال بایك حقیقت تلخ روبرواست و آن وظیفه وجدائی و نگهداری وسرپرستی ازمادر پیر وخواهرهای جوانش میباشد.

جوانیکه بعدازمدتی دوری بزادگاه خود باز گشته زمان براو سخت میگذرد چون چون هیچ منبع ومحلی برای کسب درآمد وجود ندارد که «آنتونیو» بتواند بوسیله آن مایحتاج زندگانی خود وخانواده‌اش را تأمین کند، باوجوداین درد کشنده‌ای که «آنتونیو» درمقابل آن باقدرت پایداری مینمود، «کارملا» دختر جوان «پاسکال - آرتو» که مخترع آتشبازی و دارای ثروت زیادی میباشد شیفته وعاشق «آنتو- نیو» میشود. «آنتونیو» نمیتواند بهیچ صورت «کارملا»، دختر جوان و زیبا را قانع کند باینکه او نمیتواند کانون دیگری برای زندگانی بااو برپانماید، چون تحمل این بارسنگین طاقت فرساست. گفته‌های «آنتونیو» در «کارملا» هیچگونه تأثیری نکرده وعشق «کارملا» برای «آنتونیو» توده غم واندوهی بوجود میآورد. دراثر تماس زیاد وشدت بیحد وحصر (کارملا) درعشق خود بالاخره باعث میگردد که (آنتونیو) هم به (کارملا) دل ببازد، بدون اینکه اندکی باینموضوع توجه داشته باشد پیچیدگی این موضوع (آنتونیو) راوادار میکند بهرترتیب که شده است سعی و کوشش نموده واین مسئله غامض وپیچیده راکه همه جوانان باآن روبرو هستند حل کند و آن مسئله پایه گذاری کانون خانوادگی است که برای جوانان امکان آن محال بنظر میآید (آنتونیو) برای رسیدن بهدف و مقصودخود بهمه کاردست میزند وشغلهای مختلفی چون اعلان چسبان، کارگرساده، خون دهنده وخادم کلیسارا قبول وامرار معاش مینماید و ازانجام هیچ کاری ننك ندارد واز تمام وسائل ممکنه استفاده میکند، عشق نامرئی (کارملا) نیروی تازه‌ای به (آنتونیو) میدهد واورا دراز بین بردن موانع کمك و یاری می کند. کار او ادامه می یابد تا اینکه یکروز بنزد پدر (کارملا) رفته وازاو تقاضای شغل میکند. (پاسکال آرتو) اورا متهم میکند که برای نفع مادی پیش او آمده است و (آنتونیو) را ازخودمیراند. دراینجاست که (آنتونیو) برضد کسانیکه نان را از او بریده‌اند مبارزه جدیدی را شروع میکند و نیروی خودرا بخصوص علیه (آرتو) که اتهام بیجا وناروائی باو نسبت داده است بکارمیاندازدو تصمیم میگیرد که بهر صورت شده و حتی اگرشب وروز بایستی کار کند با (کارملا) ازدواج نموده وبهمه ثابت کند که ازکار کردن ننك ندارد و برای اثبات اینموضوع (کارملا) را در میدان دهکده کاملا عریان کرده ومیگوید (من بدون هیچگونه کمك مادی ازطرف پدرت بلکه همانطورکه اکنون هستی با تو زندگی خواهم کرد.) این آخرین حرفی است که (آنتونیو) برای زندگانی آینده خود میگوید.

خدای خوب که برهمه حکومت دارد آینده آنها را تأمین خواهد کرد چون کسیکه از کارنترسد، روزی هم برایش مهیاست.

برای ایندو نفر - (کارملا) و (آنتونیو) - هم چون سایر مخلوقات خداوند دوشاهی امید یافت میشود..

(دوشاهی امید) را میتوان اوج پراهمیت نئورئالیسم ایتالیای معاصر دانست وبدون شك برای سینمای ایتالیا یك موقعیت استتیك خاصی را تأمین نمود که راه نوی آینده راکاملا روشن مینماید. این فیلم موانعی راکه برسرراه دو دلداده وعاشق وجوددارد و قصد دارند با یکدیگر ازدواج کنند بمانشان میدهد. عاطفه انسان های ساده درزیر وبمهای این اثرجاودانی پنهان گردیده است. (رناتا - وکاستلانی) متورآنسن باسابقه سینمای ایتالیاموضوع فیلم رااز متن ترجمه شده (ژان باتیست سازیل) اقتباس وبکمك (تی تینادوفیلیپ) دیالگهای آنرا تنظیم نموده است وصحنه های مختلف آنرا دریك محیط شاعرانه وپرهیجان بوجودآورده وتمام مساعی خود را مصروف یك هدف کرده است: حقیقتا یك شوق وذوق ویك التهاب شاعرانه درفیلم کاملا مشهوداست که عقل را بدل و علم را بحدسیاست و هیاهو را بآرامش منضم میکند وبرای همین است که ازدیدن فیلم درنظر انسان بهشتی ساده ومنزه جلوه گر میشود بخصوص پرسناژهای آن انسان را

« انتونیو » دست عروس خود رامیگیرد تااورا بمنزل ببرد ...

نامه‌های جالب توجه

هر هفته صدها نامه گوناگون بدفتر مجله میرسد که تعدادی حاوی سئوالهای منطقی و عاقلانه میباشد و در بعضی از آنها نیز مطالب عجیب و غریبی نوشته شده است . از این شماره سعی مینمائیم بعضی از این نامه هارا بدون حك و اصلاح و بشکل اصلی آن برای خوانندگان عزیز منعکس کنیم و مقصود از این عمل تمسخر صاحب نامه نیست بلکه منظور عبرت گرفتن آنان است که بجای اینکه وقت مارا بگیرند و مطالب بی سر و تهی بنویسند کوشش کنند نامه‌های عام المنفعه برای ما بفرستند تا ماهم بتوانیم هدف خودرا که راهنمائی خوانندگان در امور مختلف سینمائی است ، دنبال کنیم . البته سعی میشود که نام نویسنده نامه محفوظ بماند و فقط اسم مستعار یا نام کوچك او درج میگردد . کسانی که درصحت این نامه‌ها کوچکترین شك و تردیدی دارند، میتوانند برای دیدن اصل آنها عصرهای چهارشنبه بدفتر مجله مراجعه فرمایند اینك اولین نامه :

اداره مجله ستاره سینما

خوب بدرد دلم گوش بدهید حرف هایم را سرسری نگیرید این قلم که با شما صحبت میکند از آن عاشقی پاکباز و دل سوخته است که دیر یا زود کفنش از خون گلگون رنگین خواهد شد آری دو سال است که دل براه «جون کراوفورد» زیبا عزیز و ملیح وطناز داده‌ام واو را تا سرحد پرستش دوست دارم بیش از بیست نامه بآدرس استودیوهای هالیوود برای « جون کرافورد » نا مهربان و زیبایم فرستاده‌ام اما افسوس که این غزال وحشی رمیده توجهی بمن نکرده است گویا آدرسش تغییر کرده، ای آقا دستم بدامانت آدرس این یار وحشی و عزیزم را بفرست که از دوریش چون خم می جوشانم ترا بخدا مگذار گلبن امیدم جوانیم وعمرم پژمرده و نابود شود مگذار جوانی ۲۲ ساله خود کشی کند ومادری را داغدار سازد خدا حافظ بامید پاسخ شما بعداز خواندن این نامه‌را بسوزان و خاکسترش را بر باد ده.

تهران - فرهاد - م - س

خوب ،دوست عزیز چون دست ما کوتاهتر از آنست که بدامان یار وحشی شما برسد فعلا بهتراست باین عکس علیا مخدره «جون کرافورد» قناعت فرمائید تا به بینیم خدا چه میخواهد ..

«کارملا» برای کمك بشوهرش در میدان دهکده گلفروشی میکند

(بقیه ازصفحه قبل)

دراین احساس قوی وارد میکنند امیدواری وزهد وتقوی وبالاخره کارخستگی ناپذیر برای رسیدن بهدف مشروع وعشق پاك، اینها هستندمضامین اصلی فیلم (دوشاهی امید)... (کاستلانی) باین ترتیب مشاهدات خود را بصورتی حقیقی که گاهی تلخ و زمانی غم انگیز میباشد چون بعضی ازشعرای عالم شعر و ادب بوجود آورده‌است . (کاستلانی) بما نشان میدهد که زندگانی معجونی از خوبی و بدی و خوشی و غم است پرسناژهای او هرگز نومید نیستند ، زیرا آنها میدانند که همیشه در زندگی برای آنها (دوشاهی امید) یافت میشود.

(دوشاهی امید) بدینصورت اوج سینمای ایتالیارا درحقیقت نشان میدهد و تأثیر آن جریان شدیدی را حتی درمرکز نئورئالیسم بوجود آورده‌است .

استودیو های ایرانی چه میکنند؟

پارس فیلم	برهنه ولی خوشحال است !
عصر طلائی	گمراه شده است !
عقاب (بدیع)	آخرین شبش فرا رسیده است !
سانترال	خیلی اسرار آمیز است !
دیانا	به « چهارراه حوادث » رسیده‌است !
ایران فیلم	رنجهایش بپایان رسیده است !
شهرزاد	بجرم دزدی در بندر تحت تعقیب است !
کاراوان	مهتابش خونین است !
جهان فیلم	سرنوشت درش را کوبیده است !
اوریانتال	متخصص فیلمهای پانزده روزه‌است !

ر - ز

... و بدینطریق فیلمی روی پرده میآید

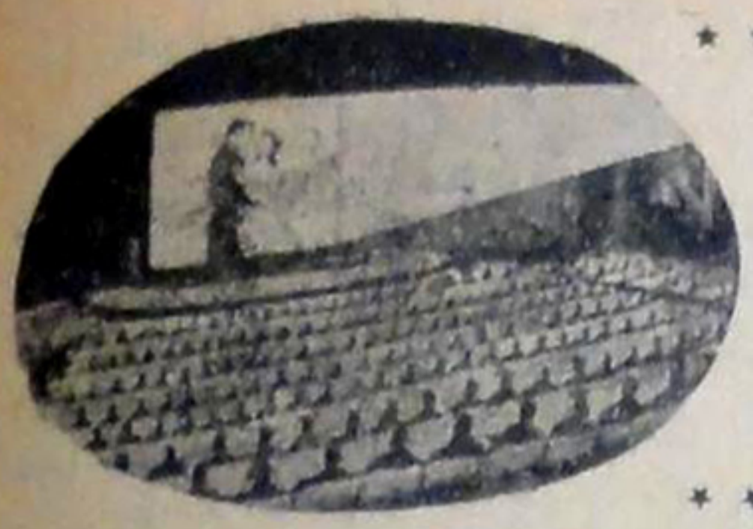

(۱۵)

بقیه ازشماره قبل

در این عمارت چهار طبقه از هر نوع مبل که برای فیلمبرداری لازم باشد موجود است . مبلهای قدیمی درطبقه دوم عمارت قراردارد ومبل های مدرن برای منازل و تزئینات مغازه‌ها و کافه‌ها و کلیساها و مدارس بطرز مرتبی طبقه بندی شده و در طبقه سوم موجوداست درطبقه چهارم که در حقیقت آخرین قسمت این بنای عظیم است ومیتوان آنرا «گنج کمپانی» نامید یك سری اشیاء آنتیك وعتیقه قرار دارد که بیشتر برای فیلمهای پرخرج نگهداری میگردد . اغلب این اشیاء در خود آمریکا ساخته نشده و از اطراف و اکناف جهان جمع آوری گردیده است مثلا میتوان مبل های فیلم «ماری آنتوانت» را گفت که باهزاران زحمت و خون جگر از فرانسه به هالیوود آورده شده ونیز نقاشی های گرانبها و آثار هنرمندان نامی مانند لئوناردو داوینچی وحتی پابلو پیکاسو ، قالی های پربها ، مجسمه های مشهور را برای نمونه ذکر کرد که بادقت عجیبی نگاهداری ومحافظت میشود تاروزی که بخواهند از آنها برای تزئین صحنه ها استفاده کنند . کاراین قسمت از کمپانی فیلمبرداری باکارد کورسازان در یك موقع شروع میشود . یعنی ازوقتی که متن و یاموضوع یك کتاب یانمایشنامه ویاحتی سناریو به تصویب مسئولین امر رسید، بلافاصله بررسی بوسیله «بخش تحقیقات» شروع می‌گردد وهرچه کار فیلم وفیلمبرداری پیش تررود لیست اشیاء مورد احتیاج صحنه ها کامل تر میگردد . این لیست بدست مسئول بخش اشیاء نگاهداری شده کمپانی داده میشود . مسلم است که همه عوامل ومواد مورد احتیاج دراین انبار موجود نیست و مقداری از آن باید ساخته و آماده شود . گاهی هم رئیس بخش اشیاء قدیمی کمپانی قبل از آنکه صورت ریز اسباب های مورد لزوم صحنه های فیلمبرداری بدوداده شود خودش ازروی داستان فیلم ومحل وقوع حوادث حدس میزند که چه چیزهائی لازم و بیشتر آنها را آماده میسازد، زیرا اغلب اتفاق افتاده است که با وجود احتیاجات لازمه و دقت هائی که بکارمیرود گاهی در بحران فیلمبرداری یك صحنه شیئی کوچکی لازم میشود وچنانچه موجود نباشد مجبور میگردند فیلمبرداری را متوقف سازند قسمت اشیاء قدیمی کمپانی وقتی فهمید که مثلا فیلمی درباره اتفاقات وجنگهای نرون امپراطور روم دردست تهیه است بی اینکه دستوری باو داده شود، فوری تمام البسه، ادوات جنگی زره‌ها ، کلاه خودها و حتی کیلاس ها وظروف غذاخوری را ازمیان دیگر اثاثیه جداودراطاقی جداگانه قرارمیدهد تا هنگام بازرسی دچار اشکال نگردند . حال که صحبت باینجا کشید بد نیست این مطلب هم گفته شود که اکثر مهمانی ها و مجالس شب نشینی بزرك ومجللی که در فیلمها داده میشود از نظر داخلی خیلی مضحك است بدینمعنی که نقش اساسی در یك میهمانی را مسلماً غذای آن تشکیل میدهد ولی چنانچه غذاهای مهمانی قلابی ومصنوعی باشد میشود حدس زد که حال و قیافه شرکت کنندگان در آن شب نشینی چگونه خواهد بود و با چه زحمتی می بایست زشت گرسنه بودن و باحرص و ولع به اطعمه رنگارنك دور میز نگاه کردن را بخود بگیرند ، درحالیکه قادر نباشند یك لقمه از آن بدهان مبارکشان گذارند !! البته آن ران جوجه ویامرغی که دردست هنرپیشه فیلم دیده میشود استثنائاً حقیقی است ولی بقیه کاملا مصنوعی و دور ازحقیقت میباشد . این غذاهای قلابی نیز جزو اشیاء قدیمی یك کمپانی درهمان انبار مخصوص نگاهداری وحفظ میشود و همانطور که گفته شد مسئول آن بخش موظف است هنگام فیلمبرداری صحنه‌ها «غذاهای لازمه!» یك میهمانی مجلل را در اختیار رژیسور و دیگر اولیاء امور بگذارد . کاراین قسمت موقعی مشکل میشود که بخواهند از یك میهمانی که در آن میز طویلی که طول آن حداقل پانزده یا بیست متراست فیلم بردارند و حتی همه این صحنه را دریك عکس نشان دهند . اینجاست که باید کاملا مواظب بود تا غذاها با زمانی که حادثه فیلم درآن اتفاق افتاده است جور باشد ومهمتر از همه طوری تنظیم شده باشد که طبیعی هم بنظر آید . یك مطلب دیگری هم دراینجاهست که باید اضافه نمود و آن اینست که اغلب فیلمبرداری از یك صحنه ممکن است روزها ، گاهی هفته‌ها طول بکشد و در خلال این مدت عکس های گوناگونی برداشته میشود . وقتی یك عکس درشت ازهنرپیشه فیلم که پشت میز نشسته ومشغول غذا خوردن است وزمانی عکس های کوچك از بعضی یاتمام شرکت کنندگان دریك مجلس جشن گرفته میشود وباز اگر درنظر بگیریم که فقط غذاهائی که در عکس های درشت نشان داده میشود حقیقی است وبقیه قلابی معلوم میشود که تنظیم وترتیب یك صحنه بطوری که درتمام طول مدت فیلمبرداری یکنواخت باشد وجای اغذیه و اشخاص عوض نشود تاچه حدمشکل وازعهده اشخاص عادی خارج است . هنگام فیلمبرداری یکی از فیلمهای جان فورد نیز بایك چنین اشکالی برخورد نمودند . دراواسط صحنه های فیلم «کلمانتین عزیز من» که جان فورددر آریزونا فیلم برمیداشت، ناگهان نامه به‌ای بخش اشیاء قدیمی رسیدودرآن تقاضای یك کاکتوس بزرك بطول شش پا شد پس ازآنکه با هزاران مصیبت کاکتوس مصنوعی را از هم جدا کرده ودر آریزونا روی هم سوار کردند متوجه شدند که درصحنه‌ئی که می‌بایست وقایع وآمدوشدها اتفاق بیافتد باید روی زمین گلهای مخصوص و کوچکی که درصحراهای آریزونا میروید ،وجود داشته باشد . باز نامه دیگری بکمپانی رسید ودرآن تقاضای هزاران بته گل شده بود . اینجا دیگر قدرت ازدست «انبار سحرآمیز» خارج شد مسلم است که هزار ها گل مخصوصی که درصحراهای آریزونا وجود دارد ، تهیه آن چقدرمشکل است تازه وقتی بته اینهمه گل آماده گشت فوراً آنها راکاشتند و روز بعد خواستند فیلم بردارند، متوجه شدند که همه گلها پلاسیده است !! اینبار دست بدامان «گل مصنوعی» زدند وبالاخره هر طور بود صحنه را با مصنوعی وطبیعی وبا این فکر که مصنوعی هارا درنقاط دوردست وطبیعی هارا نزدیك دوربین بگذارند، فیلمبرداری را باتمام

(بقیه درصفحه بعد)

جمشید مهرداد آنقدر دل اشخاص بد طینت را بازی کرده که نزدیک بود همسرش را از دست بدهد!

مهرداد را مدتها بود که از دور میشناختم وبا وجود اینکه با تمام هنرپیشه ها آشنائی داشتم کمتر میل ورغبت آشنائی با او را از نزدیک درخود حس میکردم و هر کجا نیز از وی صحبت بمیان میآمد فیافه ها درهم فرو میرفت بطوریکه تا اندازه‌ای این امر بر خود من ازمشتبه شده بودبالاخره از قدیم هم گفته اند « تا نباشد چیزکی مردم نگویند چیز ها » ولی خیلی میل داشتم بدانم علت این حرفها چیست تا اینکه چندی قبل برحسب اتفاق هنگامیکه در استودیوی (پارس فیلم) مشغول تماشای تهیه یک صحنه از فیلم « شاهین طوس » بودم مهرداد را در لباس « ابن فضل » دیدم که با قساوت هرچه تمامتردستور شلاق زدن شاهین طوس(دانشور) را میداد و از طرف دیگر با هزاران مکر وحیله سعی میکرد دل شهرزاد (آذین) پریرورا نرم نماید! پیش خود گفتم چنانچه در زندگی معمولی هم خوب باشد باز یکدرجه ازاین پائینتر است... هنگامیکه فیلمبرداری این‌صحنه بپایان رسید با مهرداد آشنا شدم ولی هنوزچند دقیقه از این آشنائی نگذشته بود که باشتباه خود دراین مورد پی بردم زیرا اوجوانیست خیلی مؤدب و مهربان درست برعکس آنچه راکه شما درروی پرده سینما ملاحظه میفرمائید...

پرسیدم :آیا از اینکه درفیلمهارل منفی را بازی میکنیدراضی هستید ؟گفت: حقیقتش را بخواهید داشتن رل مثبت یا منفی دریك فیلم عامل مؤثری نیست بلکه آنچه مهم است بازی هنرپیشه و نتیجه - ایست که ازدیدن فیلم عاید تماشاچی می شود ولی ناچاربتذکر این نکته هستم که بسیاری ازمردم تصور میکنند که من در زندگی عادی وروز مره خود نیز مانند سینما تمام وقتم‌راصرف‌میخوارگی وقمارو تعقیب زنهامینمایم (!) وامیدوارم که‌مردم بتدریج از این اشتباه خارج بشوند و بیش ازاین از من فراری نباشند!»

هنرپیشه شدن مهرداد وتیپ منفی که اودرفیلمها بازی میکند بطوراتفاق وبدون هیچ سابقه قبلی صورت گرفته بدینمعنی که درچند سال قبل در یك شب مهتابی مهرداد با دخترکی زیبا که تازه آشنائی ساده ای پیدا کرده بود (البته بقول خودش !) از خیابان کاخ رد میشد. درهمین موقع آقای دکتر کوشان نیز که پس از خاتمه کار از استودیو خارج میشد آندو را مشاهده کرد وچون‌این (آشنائی ساده !) خیلی طبیعی بود خواست اگر ممکنست این صحنه رادرفیلم جدید خود بگنجاند و چون از سابق بین مهرداد و دکتر کوشان رابطه دوستی بر قرار بود او رابرای بازی درفیلمهای این‌استودیو دعوت کرد.

اواین فیلمی را که مهرداد بدینطریق بازی نمود « مادر » نامداشت که در نتیجه تمرین های مداوم و اشکالات دیگر نزدیك بود که از کاردست بکشد ولی‌بهر زحمتی بود این فیلم را تمام کرد وبعد از آن نیز استقبال از این فیلم باعث علاقمندی او بکار هنر- پیشگی گردید ودرست از فردای روزیکه این فیلم را نمایش‌دادند مهرداد بعنوان یك جوان هرزه و لاابالی - درست برعکس آنچه که هست - بمردم معرفی گردید و در کوچه وخیابان انگشت نما گردید بازی درفیلم « مادر » باعث شد که در فیلمهای بعدی نیز همین نوع رل ها را باو دادندواکنون نیزهرسناریوئی راکه در« پارس فیلم » بخواهند بصورت فیلم در آورند چنانچه رل منفی داشته باشد آنرا بدون مطالعه و چون و چرا به مهرداد واگذار میکنند و بعد سرفرصت بسراغ سایر هنرپیشه ها می روند!

حتی یکمرتبه نیزنزدیك بودکه همسرش را برسربازی این قبیل رل ها از دست بدهد.

زیرا دراولین شبی که فیلم (شبهای تهران) را نمایش میدادند خسانش در نیمه فیلم از رفتارمهرداد درفیلم‌ناراحت شد و با اوقات تلخی بخانه مراجعت کرد وماهها با اوقهر بود تا اینکه وی با هزاران عجز والتماس توانست اورااقناع نماید که مجبور است بدون میل باطنی خود این رلها را بازی کند!

فیلمهائی راکه مهرداد بعداز(مادر) بازی کرده عبارتند از:

« چهره آشنا » ، « شب های تهران » و « غفلت » که تا کنون نمایش داده شده و فیلمهائیکه بتدریج از وی نشان خواهند داد عبارتند از:

(شاهین طوس) و (امیر ارسلان نامدار) که مهرداد در فیلم اخیرعهده‌دار نقش قمروزیرخواهد بود...

مهرداد از عوارض چهل درصدی که شهرداری میخواهد از فیلمهای فارسی دریافت نماید دلش خونست وعقیده دارد در کشوریکه از صنعت داخلیش اینطور پشتیبانی میشود هنرپیشگی رابایدبوسید وکنار گذاشت!

و بدینطریق...

(بقیه ازصفحه قبل)

رسانیدند. معلوم‌است که ارقامی مانند هزارها وشاید ده هزارها زیاد کوچك نیستند که نتوان آنهارادر یك‌محل نگاهداری کرد. برای فیلمبرداری از یك صحنه خارجی درلیست مورد احتیاج یك کمپانی اشیائی مانند. مقدار زیادی مورچه ،صد وبیست نیرزین ، تعداد زیادی مال بند ، آلت‌شخم ، بیش ازدوازده کارگاه نساجی مغازه پینه‌دوزی صدهاسال‌پیش ، بیش‌از هجده سك سالم و پرسروصدا ... که روبهمرفته رقم یازده هزار و چهارصدو سیزده‌را نشان میداد، دیده شده‌است.

(باتمام)

چهار راه حوادث

ناصر ملك مطیعی

مورین

ر - زرین

نوروز خونین

دراوائل تابستان سال جاری هنگامی که ساموئل خاچیکیان کارگردان هنرمند، فیلم «دختری از شیراز» را بمعرض تماشای مردم گذاشت و از آن استقبال بی نظیری بعمل آمد تصمیم گرفت سناریوئی را بنام «نوروز خونین» که تازه نوشته و آماده کرده بود بصورت فیلم درآورد خاچیکیان این سناریو را بر اساس زندگی روزمره مردم و نازیبائیهائی که هرروز در آن بچشم میخورد استوار ساخته بود اما قبل از فیلمبرداری مجبور شد در این سناریو تغییراتی بدهد زیرا پس از نمایش فیلم (اسیر) باشتراك «جیمس میسون» قسمتهائی از سناریوی فیلم «نوروز خونین» شبیه به فیلم مزبور درآمد و ثانیا صحنه‌های خشن و کشنده‌ای که در این فیلم وجود داشت ممکن بود گرفتار قیچی بیدریغ سانسور چیان گردد و روی این دو اصل بود که ساموئل خاچیکیان در سناریوی مزبور تغییرات کلی داد و تنها قسمتی که از سناریوی قبلی بدون تغییر در این فیلم وجود دارد صحنه‌ای است که فرید (ناصر ملك مطیعی) بدسته دزدان می پیوندد. در سناریوی جدید که اکنون بصورت فیلم «چهارراه حوادث» بیرون آمده، ساموئل خاچیکیان دو نتیجه می خواهد بگیرد یکی اینکه تنها عشقی پاك و بی آلایشست که باعث خوشبختی میشود نه پول و ثانیا اینکه انسان درزندگی باید با ناسازگاریهای آن مبارزه کند و شکست های متوالی نیز نباید باعث یاس و ناامیدی او دراین راه گردد ساموئل خاچیکیان در فیلم «چهار راه حوادث» تمام تیپ های اجتماع را آنطوری که هر روز مشاهده میکنیم به نحوی جالب بروی پرده آورده و از بدیهای آن انتقاد نموده بطوری که تماشاچی بعد از دیدن آن با تصمیمی راسخ وروحی امیدوار ازسینما خارج میگردد.

هنرپیشه محبوب

ساموئل خاچیکیان برای انتخاب هنر پیشگانی که بتوانند رلهای مختلف این فیلم را بازی کنند مدتها مطالعه کرده و درنتیجه هنرپیشگانی را انتخاب کرده است که بتوانند منظوروی را تا سر حد امکان برآورند. برای نقش اول این فیلم یعنی «فرید» ناصر ملك مطیعی انتخاب شد زیرا علاوه براین که این رل پرسوناژ او بشمار میرود در سال گذشته نیز هنگامی که با استودیو قرارداد می بست با آنها متذکر شد که فقط در فیلمی حاضر است بازی کند که ساموئل خاچیکیان کارگردانی آنرا بعهده داشته باشد. توصیف شهرت ومحبوبیت ناصر ملك مطیعی در بین مردم در اینجا زائد بنظر میرسد ولی نکته مهم در باره او اینست که در فیلمهای قبلی که وی بازی کرده است بمی شده بود از تیپ و قیافه وی بیش از استعدادش استفاده شود درصورتی که در فیلم «چهارراه حوادث» بیشتر استعداد و بازی او در نظر گرفته شده ورل نسبتا مشکلی را باو واگذار کرده‌اند و برعکس فیلمهای قبلی که همیشه در نقش محرومین اجتماع ظاهر میشد در این فیلم یك رل جدی و «عاقبت بخیر» باو واگذار شده است.

هنرپیشه دوم «چهارراه حوادث» آرمان است که علاوه برسابقه ممتد تئاتری تا کنون در فیلمهای «باز گشت» و «دختری از شیراز» شرکت کرده است ولی بجرئت می توان گفت که بازی او در این فیلم بمیزان زیادی برشهرتش خواهد افزود. آرمان در فیلم «چهار راه حوادث» در نقش سلیم رئیس دزدان، برای بدست

ناصر ملك مطیعی و ویدا قهرمانی

آوردن پول از هیچ جنایتی فرو گذار نمیکند (البته در فیلم) و با دسته‌ای که با قدرت تمام بر آنها حکمروائی می کند بسرقتهای دامنه‌داری دست میزند. ساموئل خاچیکیان در مورد آرمان میگوید که او هنرپیشه ای است که خیلی سریع منظور مرا درك میکند و این نیز در نتیجه مطالعاتیست که پیوسته درمورد رلی که باو واگذار میشود مینماید.

برای انتخاب هنرپیشه‌ای که می بایست رل زن اول این فیلم را بازی کند بیش ازهمه وقت صرف گردید وچند نفر از هنرپیشگان سینما و تئاتر برای این رل در نظر گرفته شده بودند وچیزی نمانده بود که این رل را سودابه بازی کند ولی درلحظات آخر ساموئل خاچیکیان درطی اعلانی چند نفررا برای ایفای این رل خواست و همینکه

یك صحنه از فیلم که درآن دسته دزدان از صدای پائی وحشت زده‌شده‌اند» ——— >

۵- آرمان

حوادث

ویدا قهرمانی

دوشیزه امیك و آرمان و ناصر ملك مطیعی در صحنه حساسی از فیلم

دوشیزه ویداقهرمانی بوی مراجعه کرد در همان لحظه اول اورا برای فیلم انتخاب کرد وباوجود این که وی قبل از این فیلم سابقه هیچگونه کارهنری رانداشته معهذا خیلی خوب ازعهده رل خود برآمده است ویداقهرمانی در این فیلم رل دختری رابازی میکند که بادو جوان رو برومیگردد که یکی پول دارد ولی ازعشق بوئی نبرده در صورتی که دیگری برعکس بی پول است ولی عشقی پاك نسبت باودارد . ویداپول را انتخاب میکند ولی زودی میفهمد که کاخ بدون عشق مانند قفسی طلائیست که مرغی را در آن اسیر ساخته باشند ..

مورین نیز که همه خوانندگان از هنرنمائی او در تئاتر اطلاع دارند وعلاوه براین نیز ازسال گذشته تاکنون درچهار فیلم شرکت کرده است در این فیلم زنیست رنج

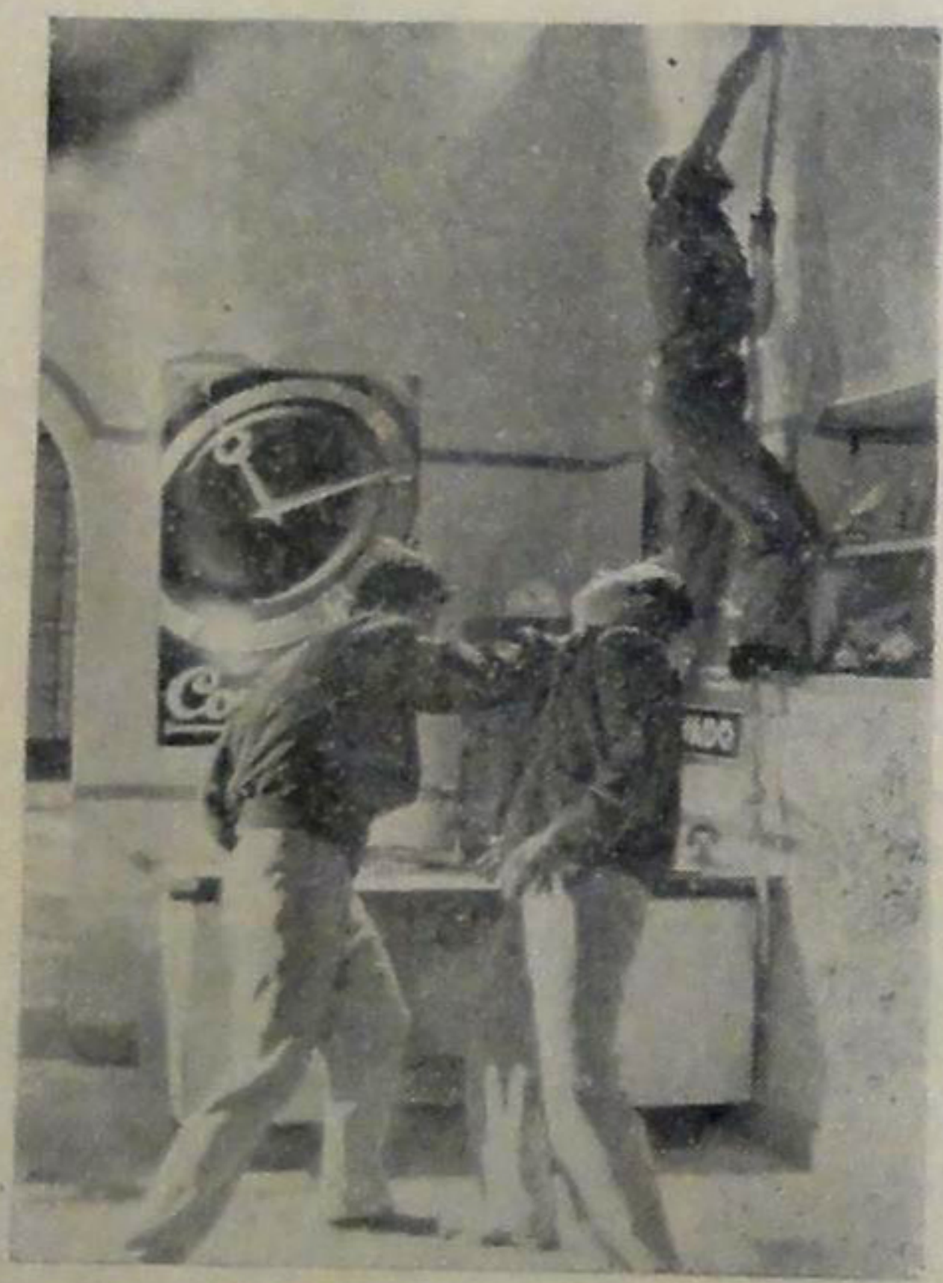

یك صحنه جالب از فیلم «چهارراه حوادث»

کشیده وزحمت کش که با وجود اینکه شوهرش وظیفه خودرا نسبت بوی انجام نمی دهد نسبت باو وفادار است مورین دراین فیلم بیش از چند دقیقه بازی ندارد ولی بازی او باندازه‌ای جالب ومؤثر است که تماشاچی را تحت تاثیر قرار میدهد .

هنرپیشه دیگری که در این فیلم رل نسبتا عمده و مهمی را بعهده دارد دوشیزه «مینا» است که در نقش (هما) دختری که بدبختی و شکست او رااززندگی ناامید کرده است ظاهر میشود و عجب اینجاست که با این وضعیت جوان منحرفی را بزندگی امید بخش آینده نوید میدهد وباعث خوشبختی وی میگردد .

هنرپیشگان دیگری که در این فیلم شرکت دارند عبارتند از آقایان کیائی ، علی زندی ، پرویز مجیدی ومنصور سپهرنیا که هر کدام در این فیلم رلی را ایفاء کرده‌اند .

«چهارراه حوادث» وفیلمهای فارسی

سناریوی فیلم «چهارراه حوادث» ازمشکل ترین سناریوهائی بوده که تاکنون بصورت فیلم درآمده است زیرا شامل بیش از ۱۲۰ صحنه مختلف ومتنوع که تاکنون در فیلمهای ایرانی سابقه نداشته است می باشد وتماشاچی را پیوسته در بیم وامید نگاه میدارد . ساموئل خاچیکیان در این فیلم سعی کرده است که ازصحنه‌هائی نظیر «رقص عربی» وزندان وقمار وداد گاه که جزء لاینفك فیلمهای فارسی است چشم بپوشد وبطورخلاصه «چهارراه حوادث» فیلمی است که خواسته‌های مردم در آن رعایت شده و قطعا مورد توجه عموم واقع خواهد گردید .

ازصحنه‌های جالب فیلم «چهار راه حوادث» میتوان زدو خوردهای ناصر و آرمان را در جواهرسازی و ناصروزندی را درکارخانه صندلی سازی و صحنه مهیج ملاقات ناصر ملك مطیعی وویدا قهرمانی را در بیمارستان نام برد ...

تغییرات مجدد !

احضار ناصرملك مطیعی هنرپیشه اول فیلم «چهارراه حوادث» باداره نظام وظیفه مصادف با موقعی شد که چهل دقیقه ازفیلم باقیمانده بود که این قسمتها خیلی با عجله برداشته شده ودر قسمتهائی از سناریو نیز تغییراتی داده شد تا در مدت کوتاهی که ملك مطیعی وقت داشت این فیلم بپایان برسد .

کادر فنی فیلم

سناریست وکارگردان ومتصدی مونتاژ «چهارراه حوادث» ساموئل خاچیکیان است وفیلم برداری آنرا «ژرژلیسچینسکی» انجام داده است اما چون وی درعین حال فیلمبرداری فیلمهای «ماجرای زندگی» و «خواب وخیال» را بعهده داشت قسمت هائی از آنرا واهاك فیلم برداری کرده است چند آهنك ایرانی دراین فیلم وجود دارد که ازساخته‌های شاپور نیاکان میباشد و موسیقی متن را نیز خود ساموئل خاچیکیان انتخاب و تنظیم کرده است بریچهر نیزدر این فیلم بدون آنکه دیده شود یك آواز میخواند . مدت نمایش فیلم «چهارراه حوادث» ۱۱۰ دقیقه و تایکی دوماه دیگر بمعرض تماشای عموم گذارده خواهد شد .

خلاصه‌ای از داستان فیلم

داستان فیلم «چهارراه حوادث» رامیتوان درسه جمله خلاصه کرد بدین ترتیب : داستان دختری که پول را برعشق ترجیح داد ولی .. وپسری که درعشق وزندگی شکست خورد اما چون امیدوار بود ... و بالاخره قاتلی که فکر میکرد مردم از او متنفرند ... لیکن ..

آقای علی اصغر حقیقی

کله شما ازما مولود عجله وشتاب شما در گرفتن جواب نامه است . شرایط شرکت در فستیوال مجله نیز هنگام نزدیك شدن مراسم آن اعلام خواهد شد . درضمن مسئول این صفحه از ذکر نام و نشان خود معذرت می خواهد .

آقای بهمن اسدی (آبادان)

۱ - برای جبران شماره‌های کسری خود می توانید بهمان مبلغ برای ما تمبر پست باطل نشده بفرستید تا ما مجله ها را برای شما ارسال داریم ۲ - ناصر ملك مطیعی پس از پایان خدمت نظام بازهم در فیلمها شرکت خواهد کرد .

آقای فریدون شریعت (مشهد)

۱ - مطمئن باشید ایوون دو کارلو هم در فراق عشق شما می سوزد و می سازد !! ۲ - ناصر ملك مطیعی فعلا چون مشغول گذراندن دوره خدمت نظام وظیفه است ، وقت نامه نگاری ندارد ۳ - خیلی خوشوقتیم که مجله ستاره سینما همیشه مایه سر گرمی شما بوده است .

آقای رحیم لامع

۱ - برای دانستن فرق بین فیلم «سه بعدی» و «سینماسکوپ» میتوانید به سلسله مقالات «تکنیك های جدید سینما» که ازشماره اول تا هفتم درج شد، مراجعه فرمائید - پر خرج ترین فیلم سینما همان «کجا میروی ؟ یا هوسهای امپراطور» بوده است که هفت میلیون دلار خرج آن شده ولی میگویند «سیل - ب . دومیل» خیال دارد برای فیلم آینده خود «ده فرمان» ده میلیون دلار خرج کند ... لابد برای هر فرمان یك میلیون دلار ! ۳ - برای دانستن آخرین فیلمهای هنرپیشگان مورد علاقه خود بصفحه «فیلمهای آینده» سری بزنید ٤ - لورل و هاردی هم زنده هستند .

آقای محمدرضا نوربخش

شرایط ورود به استودیوهای ایرانی خیلی آسان است وتصور میکنیم دختری را که پسر شده باشد زود میپذیرند زیرا بدسوژه‌ای نیست . بهتر است خودتان مستقیماً با استودیوها تماس بگیرید .

آقای ایرج حکمتی

۱ - «جان کارفیلد» در اثر سکته قلبی فوت کرد ۲ - مشهورترین ستاره فرانسوی درحال حاضر «مارتین کارول» است .. بواسطه داشتن سینه برجسته و بدن خوش ترکیب !!

آقای غلامرضا ناصرزاده

علت آن همه عکس ومطلب ، خواست روزافزون مردم بوده است «دین کلارك» را هم باید جزو هنرپیشگان مطرود دانست زیرا فعلا کمتر در فیلمها ظاهر میشود . روی جلد این شماره را هم ازهنرپیشگان ایرانی چاپ کرده‌ایم .

آقای هوشنك بنی‌عقبه (اهواز)

۱ - شماره های کسری خودرا از نماینده ما بخواهید ۲ - علت شرکت نکردن آقای منوچهر شفیعی در فیلمها برخود ما نیز نامعلوم است ۳ - هنرپیشه در ایران باید اولا پارتی داشته باشد ... و بعد بقیه خود بخود درست میشود !

آقایان اصغر عسکری - حسین نیرومندی

چون سامیه جمال فعلا در فرانسه است لذا بهتر است صبر کنید بمصر باز گردد آنوقت برایش نامه بنویسید .

آقای م . شریف

۱ - شرح حال سیروس جراح زاده را که چند شماره پیش نوشتیم ؟! ۲ - محبوب‌ترین هنرپیشه مرد در هالیوود گاری کوپر است ۳ - بمقاله «تکنیك های جدید سینما» مراجعه کنید .

آقای عبدالکریم نداف

اولا تشکرات بی پایان مارا بپذیرید وثانیاً صبر کنید تا نوبت چاپ عکس و شرح حال «ماسیمو جیروتی» هم برسد.

آقای حسین ستاره

ملاحظه میفرمائید که از هنرپیشگان وفیلمهای ایرانی هم در پشت جلد مجله استفاده کرده‌ایم و در باره استودیوهای البرز وایران منتشر شماره‌های بعدی باشید .

آقای مصطفی چمپائی (آبادان)

اولا علاقه شما وامثال شما بفیلمها و آوازهای هندی در مقاله «سینما در آبادان» توضیح داده شده بود . ثانیاً فیلمهای هندی در ایران مخصوصاً در تهران هیچگونه هواخواهی ندارند وتصدیق میفرمائید فقط برای شهر آبادان که نمیشود فیلم مخصوصی وارد کرد .

آقای منوچهر چهارلنگی

۱ - نه ! ۲ - شرح ایوون دو کارلو فقط کمی صبر لازم دارد ۳ - بزرگترین هنرپیشه فیلمهای وسترن «راندلف اسکات» است که ۵۱ بهار دیده است!

آقای عباس نامدار

۱ - از اظهار لطفی که نسبت به مجله ما ابراز فرموده‌اید متشکریم ۲ - سعی خواهیم کرد که در اولین وهله تقاضای شمارا درمورد عکس و شرح حال (نور - الهدی) خواننده مصری برآوریم .

آقای م - ر (تهران)

۱ - هنرپیشه مورد نظر شما (ماریکاروك) نامدارد ۲ - راجع بنظر شما در مورد روی جلد مجله و چاپ عکس هنرپیشه محبوب شما نیز اقدام خواهیم کرد.

آقای مهرداد - خ

یکمرتبه شرح حال (سامیه جمال) و عکس (تمام قد !) اوراچاپ کردیم ولی بار شما نوشته‌اید آن (تمام قد!) قبول نیست یك (تمام قدتر!) دیگر چاپ کنید !!

آقای رضا شمشادیان

۱ - از (استودیو فیلمبرداری موزیکال نصراله عشقی !) که بتازگی تأسیس شده اطلاعی دردست نداریم ۲ - راجع بمعرفی فیلم‌های جدید ایرانی نیز بموقع خود اقدام خواهد شد ۳ - جمشید مهرداد را نیز در همین شماره معرفی کرده ایم ٤ - احمد فهمی هم در فیلم (شاهین طوس) رل هارون الرشید را بازی میکند .

آقای اکبر شاهی

۱ - از اظهار لطف شما نسبت بآقای ربرت اکهارت سپاسگذاریم ۲ - جواب مسابقه شما متاسفانه کمی دیر رسید لذا موفق بدرج آن نشدیم.

آقای فریبرز ظلی

(مارتاتودن) از سینما کناره گیری ننموده و آخرین فیلم او (ماگدالنا) نامدارد که در ایتالیا تهیه شده است .

آقای مرتضی رستمیان (اصفهان)

۱ - ملاحظه میفرمائید که بقول خودمان راجع بهفتگی کردن عمل کردیم ۲ - تقاضا میکنیم مارا از تعیین بهترین هنرپیشه زن ومرد ایرانی فعلا معاف فرمائید ۳ - استودیو پارس فیلم درحال حاضر مشغول تهیه فیلم های (امیرارسلان) و (غروب عشق) میباشد.

آقای منصور فکری

۱ - باستودیوهای مصر نامه نوشته‌اید و آنها جواب شما را نداده‌اند و آنوقت دلیل آنرا ازما میخواهید ؟ لابد در آن استودیوها پارتی نداشته‌اید ! ۳ - سامیه جمال درحال حاضر شوهر رسمی ندارد و میدان هم برای عشاق سینه چاك باز است !

روبرت اکهارت

•• «ویلیام هولدن» برنده اسکار سال ۱۹۵۳ بزودی در فیلم تمام رنگی وویستاویژن «شیاطین دوست داشتنی» شرکت خواهد کرد در این فیلم ویلیام هولدن رل یکی از افسران ناوگان امریکائی درجنك بین المللی اخیررا بعهده دارد رل مقابل هولدن دراین فیلم بعهده «دبوراکار» ستاره هنرمند وکاندید سال ۱۹۵۳ واگذار شده‌است.

•• «ادری هپبورن» ستاره زیباکه اکنون شهرت بی مانندی کسب کرده‌است بعد از اتمام فیلم «سابرینا» در فیلم دیگری بنام (خانه مه آلود) شرکت خواهد کرد. نام سایر هنرپیشگان فیلم تا کنون معلوم نشده‌است.

کتاب عشقی فیلم (خانه مه آلود) جزو کتابهای پرفروش امریکا میباشد.

•• «جن کلی» و «سیدشاریس» به زودی در فلم تمام رنگی و سینماسکوپ «هوای ملایمی است» باتفاق شرکت خواهند کرد. کمپانی مترو گلدوین مایر علاوه برهنرپیشگان معروف فوق «دان دیلی»، «دولورس گری» و «مایکل کید» رادراین فیلم شرکت داده است.

•• کمپانی برادران وارنر اخیراً فیلمی بنام «صدقه بگیر» تهیه کرده که راندلف اسکات و (دولورس دورن) رل های عمده آن‌را ایفا میکنند. این فیلم مربوط به سرگذشت مردیست که در تعقیب جنایتکاران فراری میباشد تا با دستگیری آنها واخذجایزه مربوطه زندگی خود را بگذراند. درفیلم (صدقه بگیر) راندلف اسکات یکبار دیگر رلهای قهرمانی کلاسیك خودرا تجدیدمی کند.

•• «کمپانی فوکس بزودی از هنرپیشگانی چون «جین سیمونس» و «فرانك سیناترا» فیلمی بنام «آسمان هفتم» تهیه خواهد کرد در سال ۱۹۲۷ نیز «جانت گینور» و «چارلز فارل» دراین فیلم ظاهرشده بودند کمپانی فوکس این فیلم را بطریقه رنگی وسینماسکوپ مانند سایرفیلمهای خود تهیه خواهد کرد

•• «جوزف لوئیز» کارگردان کمپانی «آلاید آرتیست» اکنون مشغول کارگردانی آخرین صحنه های فیلم «کامبوی کبیر» میباشد که هنرپیشگان مشهوری چون «کرنل وایلد»، «جك بالانس»، «بریان دانلوی» و «هلن واکر» در آن شرکت دارند.

•• (بوت آبوت) و (لو کاستلو) پس از بازی درفیلم (ملاقات باپلیسهای کیستون) اکنون مشغول بازی در فیلم کمدی (هنرپیشگان بدلی) میباشند این فیلم راکمپانی یونیورسال اینترنشنال تهیه مینماید.

•• «انتونی استیل» هنرپیشه معروف انگلیسی اخیراً در فیلمی بنام «غرب زنگبار» ظاهرشده است این فیلم درقلب آفریقا تهیه شده وسرگذشت شکارچیهای ماهری است که برای بدست آوردن عاج بجنگلهای مخوف آفریقا رهسپارمیشوند کمپانی یونیورسال امریکا این فیلم را در امریکا پخش کرده است. «شیلازیم» رل مقابل آنتونی استیل را بعهده‌دارد. فیلم نیز بطور رنگی تهیه شده‌است

•• «جین سیمونس» قبل از بازی در فیلم «دزیره» که همراه با «مارلون براندو» در کمپانی فوکس تهیه میشود در فیلم دیگری بنام «گلوله‌ای درانتظار است» ظاهر شده که توسط کمپانی کلمبیا ببازار های دنیاصادر گردیده‌است. «استیفن مك نالی» «روری کلهون» وهنرپیشه قدیمی «بریان آهرن» نیز در این فیلم شرکت دارند.

•• فیلمبرداری فیلم (موبی دیك) که چندشماره پیش خبر آنرا باطلاع خوانندگان عزیز خودرساندیم شروع شده است.

(گریگوری پك) در این فیلم دررل (کاپیتان آهاب) ظاهرمیشود وبرای بازی رل فوق مجبور است که بایك پای عاجی در فیلم ظاهر شود فیلمبرداران و متخصصین گریم زحمت زیادی برای تهیه فیلم متحمل میشوند داستان فیلم اثر معروف نویسنده امریکائی (هرمان ملویل) میباشد که توسط (جان هوستن) کارگردان شهیر دراستودیو برادران وارنر بطریقه سینما سکوپ و وارنر کالور تهیه میشود.

«دولورس دورن» و «راندلف اسکات» درفیلم «صدقه بگیر»

سینما در خرمشهر

سینمائی که از در آمد نمایش یك فیلم عربی ساخته شد!!

بندر زیبای خرمشهر امروز بزرگ ترین لنگرگاه کشورما محسوب میشود . روزی چند کشتی از گوشه و کنار دنیا در جوار اسکله های آن پهلو میگیرد و در اثر عوارضی که روی این کار از جانب گمرك عاید شهرداری خرمشهر میگردد در آبادانی این شهر تاریخی که تا چندی پیش شباهت تامی بشهرهای افسانه ای هزارو یکشب داشت موثر واقع گردیده و توانسته است خرمشهر را بصورت یك شهر آبرومند در آورد . در این شهر که در آینده نزدیکی نیویورك ایرانش خواهند خواند سه سینما وجود دارد که دوتای آن از لحاظ ساختمان کامل و یکی کوچك ولی درعین حال پاکیزه و از نظر دستگاههای نمایش از دیگران مجهز تر میباشد .

سینما میهن و سینما ایران دارای ساختمانهای وسیع و تا اندازه ای مجلل و صرفنظر از سینما تاج آبادان، در خوزستان بی همتا میباشند و شاید تعجب کنید که بدانید سالن تابستانی سینما ایران بزرك ترین سالن تابستانی سینماهای ایران است سینما میهن نیز دست کمی از ایران ندارد مخصوصا سالن زمستانی آن قابل توجه است ولی متاسفانه صاحبان سینمای مذکور برخلاف تهران در آراستن صورت ظاهر سینما هیچگونه توجهی نمی نمایند وهنوز دیوارهای نوساز و ستونهای بزرك درون سالن بحالت اولیه خود باقی است و هیچگونه تزئینی به آن داده نشده و در نتیجه ظرافت یك سالن لوکس را بخود نگرفته است درحالیکه باید در این مورد دقت بیشتری شود . این دوسینما در نقاط مرکزی شهر واقعند و در واقع دو رقیب سر سخت برای هم بشمار میروند . سینما میهن از نظر نمایش فیلمهای تجارتی و پول ساز غنی تر از دیگران است و بدینوسیله بازارش از دیگر سینماها بیشتر رونق دارد. ناگفته نماند این دوسینما درمحل شلوغ و پر سر و صدائی قرار دارند و در موقع نمایش فیلم هردو سینما از وجود نغمه شکن ها و کسانی که ترجمه فیلم را بلند میخوانند و یا در موقع حساسی سوت میزنند بی بهره نیستند ! اصولا خرمشهری ها باین غلغله و همهمه عادت دارند و از آن لذت میبرند .

اما سینمای کوچك و مختصر خرمشهر که اتحاد نام دارد دور از این هیاهو و جار وجنجال در کنار رودکارون واقع شده و سالن تابستانی آن نسبتا خوب و مصفاست صاحب سینمای اتحاد برخلاف تمام صاحبان سینماها شخص جوان و باذوقی میباشد که مانند کلیه جوانان دوستدار سینما ، بهنر سینما ارادت صمیمانه دارد و این علاقمندی در سینما و برنامه هایش تجلی میکند . مشتریان این سینما تقریبا مشخص و معلوم هستند و کسانیکه مایل باشند درمحیط آرام ومناسبی بتماشای فیلم روند بسینما اتحاد رومی آورند . دستگاههای آپارات سینما نامبرده ازهرجهت کامل ومجهز میباشد .

سینما از نظر مردم خرمشهر فقط وسیله تفریح ووقت گذرانی است و دوستداران سینمای حقیقی وفیلمهای باارزش اقلیت نا چیزی هستند . ناگفته نماند فیلم عربی بیش ازهر فیلم دیگر در خرمشهر پول در می آورد ومردم این شهر که غالبا عربی تکلم میکنند بدیدن اینگونه فیلمها میروند و برای دیدن آن سرو دست میشکنند .

جهت نمونه بدنیست بدانید فیلم عربی (عنتر وعبله) سه ماه ونیم در خرمشهر کار کرد و تمام اعراب بادیه نشین حوالی خرمشهر که در عمرشان بسینما نرفته بودند بدیدن این فیلم رفتند . در این مدت هرروز قافله ها و طوایف مختلف ازقراء وقصبات مرز نشین بخرمشهر وارد میشدند وچندین شب پشت سرهم بتماشای فیلم میشتافتند بمجرد رفتن این دسته دسته دیگر جای آنان را میگرفت . این عمل چنان دوام یافت که از پول درآمد فیلم نامبرده (بطوریکه در خرمشهر شایع است) سینمای مختصر میهن تبدیل بساختمان بسیار بزرك و پرخرج کنونی شد ! بعد از آن نیز (عنتر و عبله) برای دهمین بار روی پرده رفت و پول هنگفتی بکیسه صاحب سینما ریخت. خلاصه چنان مرسوم شده که هرچند ماه یك بار این فیلم را نشان دهند و اینك که نگارنده مشغول نوشتن این سطور است فیلم «عنتر وعبله» در سینما میهن بازروی پرده میباشد و برای بیستمین بار چنان کار میکند که گوئی یك فیلم بزرك برای اولین بار نمایش داده میشود و جای شگفت اینجاست که هنوز هم مردم برای دیدن آن ازسرو کول هم بالا میروند !! اهالی خرمشهر بعد از فیلم عربی فیلمهای قهرمانی و تجارتی و پسر طمطراق را خواهانند که اکثر آنها در سینما میهن نمایش داده میشود . سینما ایران نیز در نمایش فیلمهای عربی و فارسی دست کمی از میهن ندارد ولی از اینها که بگذریم در نمایش فیلمهای دیگر دست سینما تمدن وسینما مترو تهران را ازپشت بسته و روی همه آنهارا سفید کرده است !

اگر درجستجوی فیلمهای مناسب و با ارزش باشیم باید گاهی سری به سینما اتحاد بزنیم و نظیر فیلمهای سامسون دلیله- گوژپشت نتردام - پنجه عدالت - یتیم - رنك پریده - روشنائی های شهر - سالومه و پرنس دزد را در آنجا ببینیم .

یك چیز عجیب بشنوید : ماه مبارك رمضان در خرمشهر یکی ازفصلهای مهم سینمائی است و در این ماه بازار سینما رونق بسیار دارد . مردم روزه گیر که اکثریت را دارا میباشند پس از افطار به سینما هجوم میبرند وتا پاسی ازشب وقت خودرا درسینماها میگذرانند (بشرطی که فیلم عربی باشد !) و بدینوسیله مسلمانان سینمارا در برنامه روزه خود قرار میدهند. بقول یکی از دوستان این ها مسلمانان مترقی قرن اتم هستند !!

بهای بلیط سینماهای خرمشهر مانند تمام سینما های خوزستان باهم اختلاف دارند وهر سینمائی بطور جداگانه بدلخواه خود نرخ مخصوصی تعیین کرده است شهرداری هم باین موضوع کاری ندارد زیرا او فقط صدی پانزده عوارض میگیرد چکار دارد بلیط سینما برای مردم گران و کمر شکن است (این روش در تمام سینماهای خوزستان حکمفرماست) وخلاصه قیمت بلیط ها عبارتست از : ۸ ریال - ۱۰ ریال - ۱۲ ریال - ۱۵ ریال - ۲۰ ریال.

درخرمشهر سینما علاقمندان زیاد دارد در درجه اول طرفداران فیلمهای عربی و در مرتبه دوم طرفداران فیلمهای معمولی روز . تمام هنرپیشگان فیلمهای عربی طرف علاقه خرمشهریها هستند و اکثریت آنها فیلم را نوارهای رقص و آواز، لودگی و مسخرگی میدانند . پسران ودختران مدرسه وکارمندان دولت بخصوص اداره گمرك طرفداران فیلمهای هنری و با ارزش هستند .

فرستنده: خسرو پرویزی

همین هفته کتاب ...
صحنه های زندگی
اولین نشریه سینمائی مجله ستاره سینما
نوشته :
فخرالدین قهاری
که حاوی معرفی وشرح ۲۵ فیلم از عالیترین آثار جدید ایتالیائی باانضمام شرح حال بزرگترین ومحبوبترین هنرپیشگان ایتالیائی میباشد ...
... منتشر خواهد شد

مسابقات

بهترین فیلمی که تاکنون دیده‌اید کدامست و بچه دلیل ؟

پاسخ‌های رسیده بنوبت چاپ خواهد شد و مدت این مسابقه دوازده شماره است .

جواب پنجم

«بهترین سالهای زندگی ما»

درمیان فیلم هائیکه تاکنون دیده‌ام میتوانم فیلم (بهترین سالهای زندگی ما) را نام ببرم . داستان فیلم موضوع زندگی سه نفردوست است که هر کدام درارتش رشته مخصوصی را خدمت کرده و پس از خاتمه جنك بموطن خودمراجعت نموده‌اند وبرای پیدا کردن کاری باین درو آن در میزنند . یکی از آنان که دو دست خود را در نتیجه انفجار جنك از دست داده بیش از آندوتای دیگر معذب و ناراحت میباشد زیرا هر کجا میرود بچشم حقارت وبحال ترحم باو مینگرند و این امر در بیننده حالت نفرت وانزجار شدید نسبت بجنك را تولید میکند . از لحاظ بازی هم چون کسی که دل مزبور را ایفا کرده خود صحنه جنك را حقیقتاً بچشم دیده ، بازیش خیلی طبیعی وبا داشتن دست های مصنوعی نظرتماشاچی را کاملا بخودجلب می کند .

خلاصه این سوژه قوی و بازیهای جالب فیلم مذکور باعث شدکه آنرا دو سه مرتبه در تهران نمایش دهند که خوشبختانه هردفعه موفق بدیدنش گردیدم

این بود نظریه من راجع بفیلمی که آن را بهترین فیلمی که دیده ام می دانم .

اسمعیل فرجی

برندگان مسابقه «این دختربچه زیبا کیست؟» شماره شانزدهم

۱- آقای رحمت اله احسانی (همدان)
۲- آسمیك ناوا زیان (اصفهان)
۳- منوچهر اسکندری (اراك)
٤- بهرام گرد افکن (بندرمعشور)
٥- پرویز جفرودیان (اهواز)
٦- فریدون سیگاری (لنگرود)

پاسخ صحیح : کودك زیبا و تو دل بروئی را که در آن شماره ملاحظه فرمودید « جون هیور» رقاصه وستاره معروف هالیوود میباشد .

پاسخ معلومات سینمائی شماره قبل

۱- (ماری بلانشار)
۲- ازنام یك گربه اقتباس شده‌است
۳- (شاهین طوس)
٤- (دختری از شیراز)
٥- (لوئیردایئر ، (اسپنسر تراسی) ، (فردریك مارچ) ، (بت دیویس) ، (اولیویا دوهاویلند) و (ویوین لی)

معلومات سینمائی خود را بیازمائید

۱- نویسنده داستان فیلم (عاقبت جنایتکاران) چه نامداشت ؟
۲- نقش (استلا) را درفیلم (ترا- موائی بنام هوس) که بازی میکرد؟
۳- (جون فونتن) در کدام فیلم برنده جائزهٔ اسکار گردید ؟
٤- فیلمی که (همفری بوگارت) و (اینگریدبرگمن) با هم بازی کردندچه نامی داشت ؟
٥ - مشهورترین آهنگی که (ریتا- هیورث) درمشهورترین فیلم خودخواند چه بود وآن فیلم کدام است ؟

صحنه‌های زندگی
عالی‌ترین کتاب سینمائی سال
در همین هفته منتشر میشود

جدول کلمات متقاطع سینمائی

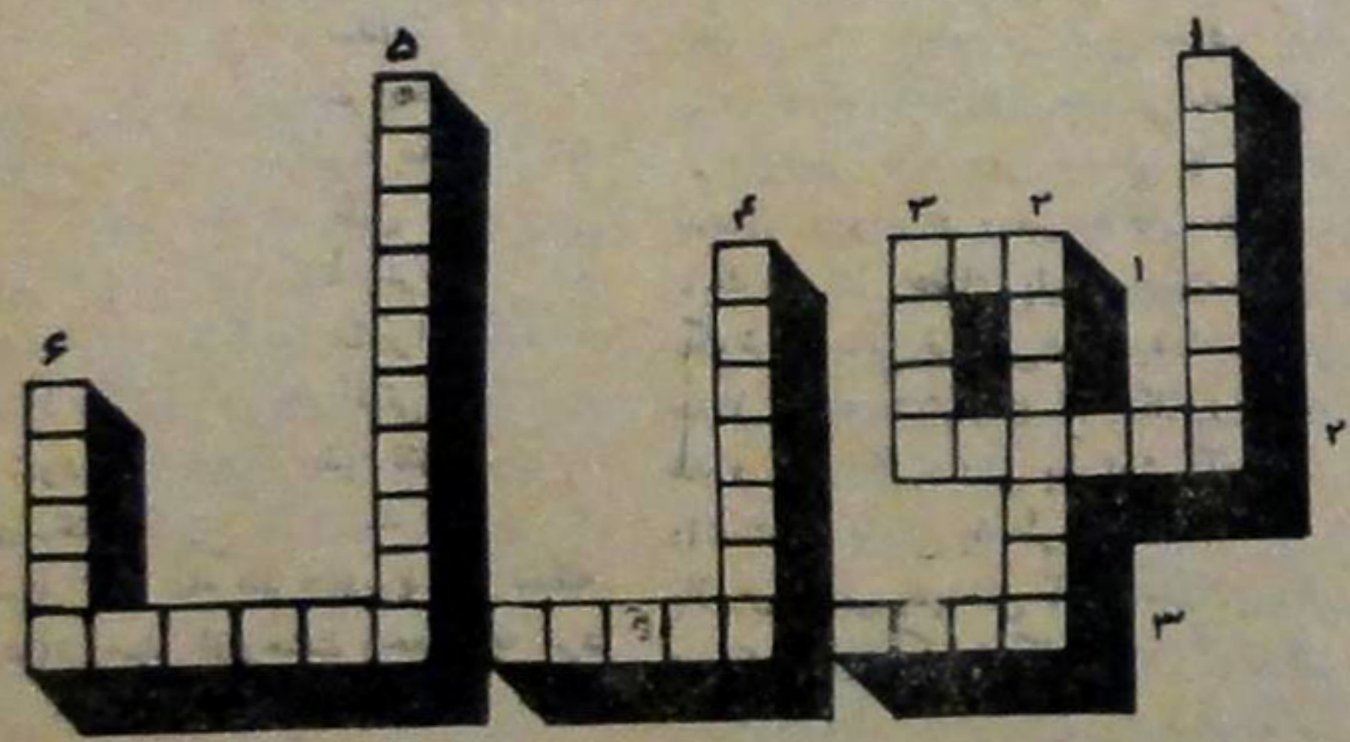

افقی ۱- اگر باندازه باشد برنك ودرنتیجه تکنیك فیلم کمك شایانی میکند و متاسفانه چیزیست که کمتر درفیلمهای ایرانی آنرا رعایت میکنند ! ۲- باآن فیلم برداری میکنند ۳ - اگر به «س» آخر آن یك «وار» اضافه کنید نام فیلم سریال سواره کاری میشود که «آرتیسته» آن سوار اسب سفید میشد - بزودی سینما رکس فیلم آنرا که هنرپیشگانش «گاری کوپر» و «روت رومن» میباشند نمایش خواهد داد - تا بحال قریب سی فیلم از روی داستان آن تهیه شده وچندین هنرپیشه برای تهیه آن سری ازفیلمها عوض شده‌اند وهنوز هم نعره های اودرخیابان لاله‌زار بگوش میرسد !!

عمودی ۱- هنرپیشه محبوب فیلمهای پلیسی ووسترن ۲- یك فیلم جالب از «ما- ریکاروك» که در اوایل تابستان امسال برای اولین مرتبه آنرا سینماتهران نشان داد ۳- ستاره فیلم «سنگر» بودولی هنگامیکه پشت سنگر قرار گرفته بود آنرا خراب کردند ودر نتیجه نیمه اول اسمش ازبین رفت ونیمه آخر آنرا برای شما باقی گذاشت ٤- پایتخت سینما ٥- یکی ازبزرگترین ومعروفترین هنرپیشگان فیلمهای جنائیست که بیشترسروکار اوبادادگاه است وگاهی هم «مجری قانون» میباشدولی افسوس که «ه» اولش رازده‌اند ٦- باآنکه بیش ازهفت هشت سال ازصنعت سینمائی اش میگذرد ، هنوز موفقیتی راکه انتظارمیرود کسب نکرده است ، تابه بینیم در فصل سینمائی جدید چه میکند؟

جوابهای خودرا بادوریال تمبر پست باطل نشده بآدرس مجله بفرستید تا به‌شش نفر شش جائزه یکساله مجله داده شود .

جواب صحیح در شماره ۲۲ - فرستنده : کوروش بزرگمهری

«در بارانداز» ON THE WATERFRONT

هنرپیشگان: مارلون براندو (تری مالوی) کارل مالدن (بابا باری) - لی. ج. کب (جانی فرندلی) - اواماری سنت (ادی دویل) - تهیه‌شده در استودیو «هوریزن» - پخش کنندهٔ فیلم کارخانه کلمبیا - کارگردان «الیا کازان» محصول سال ۱۹۵۴

بقیه از شماره قبل (۳)

ترجمه: پرتو

تری آهسته جواب داد: «با وجود اینکه بعداز اعتراف من نزد پلیس «جانی» فرمان قتل مرا بدارودسته خود خواهد داد ولی من ازاین قسمت وحشتی ندارم تردیدمن فقط ازدوجهت است یکی اینکه برادرم جزودارو دسته جانی است و دیگر آنکه جانی از دوستان قدیمی و خویشاوند ماست»

کشیش با اعتراض گفت: تمام کارگران این بارانداز برادران نوعی توهستند وحال آنکه جانی ... معذالك من ترا تشویق بهیچ عملی نمیکنم واقدامات ترا بوجدانت واگذار میکنم. بعد از آنکه تری ازکشیش جدا شد طبق قرار قبلی درویرانه های یك اسکلهٔ متروك با ادی ملاقات کرد و در آنجا ماجرای ملاقات خود را باکشیش و اعترافاتی راکه نزد وی نموده بود منجمله قضیه قتل جوی را برای دخترك شرح داد. بعد از این که حرفهای تری تمام شد «ادی» یك لحظه باچشمانی مملو ازوحشت وحیرت به مرد جوان خیره شدوناگهان روی بر گردانید ودوان دوان ازوی دورشد. تری بدنبال او نا امیدانه فریاد زد: «ادی، نگاه کن، مگرنگفتم که من نمیدانستم آن ها خیال قتل برادرت را دارند. ادی، نگاه کن، بخدا من نمیدانستم، باور کن... ادی.. ادی..».

فریاد های تضرع آمیز مرد جوان بدون جواب ماند واو با پشت خمیده به خانه بازگشت ویکراست روی بام بسراغ کبوترهایش رفت. در آنجا برادر زادهٔ کوچکش «تامی» را منتظرخویش یافت درماندگی «تری» آنقدر زیاد بود که مشکل خود را با پسرك در میان نهاد و بطورمبهم از او پرسید: «تامی» خیال کن که من ازرازی خبردارم که اگر آن راز را به‌پلیس بگویم‌عده‌ای دچارزحمت میشوند شاید هم گریبان اشخاصی بچنك قانون بیافتند. بعقیده توآیا من بایستی این راز را نزد پلیس فاش کنم؟ پسرك بانفرت گفت: پلیس؟ تومیخواهی عده‌ای را بچنك پلیس بیاندازی؟ اینکارناجوان مردی است. توجاسوسی! توفریب کارو حیله بازی! تری آهسته تصدیق کرد: درست است، درست است!

بعد ازآنکه تری از «تامی» جدا شد واز روی بام پائین آمد در خیابان با «گلاور» بازرس مخفی پلیس روبروشد. «گلاور» مدتی ببهانهٔ پا درد در کنار تری توقف کرد و بعد از اینکه قدری با «تری» ازاین دروآن درصحبت کرد از وی خدا حافظی کرد وخواست برود ولی «تری» ناگهان تصمیمی گرفت وبه گلاور گفت: من‌هم‌باتومیایم، میخواستم قدری با تو صحبت کنم. مرد جوان تا آخرین لحظه ایکه با بازرس پلیس حرف میزد وآن لحظه‌ایکه ازوی جدا می‌شد بی‌خبر از آن بود که مردان «جانی» همه جا بدنبال اوبوده‌اند وخبر ملاقات «تری» بایك نفر از اعضای پلیس بهمین زودی بگوش «جانی فرندلی» رسیده‌است. حتی بعداز اینکه «تری» از «گلاور» جدا شد و برادرش چارلی بسراغش آمد نمی دانست که چارلی بخاطرهمین دیدار او با بازرس پلیس بدیدنش آمده‌است. چارلی ببهانه رفتن یکی ازکلوب های ورزشی «تری» را ازخانه بیرون برد ودرتاکسی نشاند و آدرسی برانندهٔ داد. طولی نکشید که چارلی شروع بصحبت کرد و گفت: «بچه ها میگویند ازطرف پلیس برای‌تواحضاریه‌ای رسیده‌است، میخواستم بگویم حواست را جمع کن تا بتو لفظ جاسوس پلیس اطلاق نشود. آینده تو درخشان خواهد بود. اگر جاه طلب و بلند پرواز هستی بتو مژده میدهم که به زودی شغلی بسیارتان وآب دار در بارانداز بتوداده خواهد شد و...» «تری» آهسته گفت: نه، من باین چیزهااحتیاجی ندارم. چارلی گفت: تو نمی فهمی، در اسکله جدیدی که بزودی افتتاح خواهیم کرد «جانی» شغل رئیس و سر پرست کارگران را بتوخواهد داد وتوبی آنکه در یکماه حتی دستت را هم تکان بدهی مبلغی هنگفت عایدی خواهی داشت. فقط یك شرط کوچك دارد، هر چه از گذشته دیده وشنیده‌ای فراموش کنی و زبانت را نیز در اختیار داشته باشی! فهمیدی؟ «تری» بایك احساس قوی و ناشناس درونی درجدال بودبالاخره سر بر داشت و گفت: سعی میکنم بفهمم! چارلی مجدداً گفت: پوست کنده بگویم تونبایستی برعلیه «جانی» شهادتی بدهی همین! تری آهسته گفت: خوب، من هنوز دراین باره تصمیمی نگرفته ام میخواستم قدری با توصحبت کنم. چارلی صبورانه گفت: گوش کن بچه جان، شاید قبلا هم بتو گفته‌ام که این بارانداز‌ها ومنافعی که از آن عاید ما میشود، آنقدر برای ما ارزش دارد که هرگزحاضرنیستیم آنرا به خاطروجود های بی ارزشی مثل «جوی دویل» و«دوگان» بخطربیاندازیم... سعی کن منظور مرا بفهمی....

وچون تری ساکت ماند، با متانت وخونسردی گفت: بسیار خوب، من به «جانی» می گویم شغلی راکه بتو پیشنهاد کردم نپذیرفته‌ای... اگرچه من اطمینان

«تامی» به «تری» گفت: توجاسوسی! تو فریبکار وحیله‌بازی!

دارم که «جانی» فکرمیکند که خود من باعث شده ام که تو این شغل را نپذیری ولی من حاضرم که این خطر را قبول کنم وبجانی بگویم که تو حاضر بهمکاری با او نشده‌ای.

تاکسی ایستاد و «تری» از آن پیاده شد وباتوبوسی که در جهت مخالف آنها حرکت میکرد سوار گردید. خودش هم نمی فهمید که کجا میرود... نمی فهمید که ازاین ببعد چه باید بکند.

تقریباً نیمه شب بود که مرد جوان بجلوی خانهٔ «ادی» آمد و در زد. دخترك پس‌ازآنکه فهمید «تری» پشت در است و میخواهد او را ببیند از باز کردن درخودداری کردو باو گفت که برود وگم شود ولی «تری» همچنان بدر زدن ادامه دادوچون بالاخره فهمید که «ادی» در را نخواهد گشود با چند لگد قفل را خرد کرد وداخل منزل شد. وقتیکه جلوی دختر جوان ایستاد نفس نفس می زد:

ـ ادی، مرا ببخش ولی باور کن که ناچار بودم ترا ببینم، ناچار بودم که بهروسیله هست داخل منزل تو بشوم. دخترك آهسته گفت: برو دعا کن که پدرم منزل نیست وگرنه میدیدی چطور از تو پذیرائی خواهد کرد!

ـ گوش کن ادی، از تو تمنا می کنم که حرفهایم را باور کنی من احتیاج دارم که در کنارتو باشم، بتواحتیاج دارم ولی برادرم را هم دوست دارم، هم تو را میخواهم وهم برادرم را ومیل ندارم که بهیچ کدام آسیبی برسد.

ـ ازمن دورشو، نزدیك من نیا!

ـ ادی، من تورا دوست دارم امن بعشق تواحتیاج دارم، بمن بگو که توهم مرا دوست میداری.

ـ من نگفتم که ترا دوست ندارم، گفتم از من دور شو!

ازفضای مه آلود خیابان فریادی شنیده شد وتری وادی هردو ساکت‌شدند مردی دروسط خیابان ایستاده بودوفریاد میزد: آهای، تری! چارلی منتظر تو است، بیا بیرون، برادرت میخواهدترا ببیند. ناگهان «ادی» بگریه افتاد وبا تضرع گفت: «نرو! نرو!» تری آهسته گفت: ولی مگر نشنیدی که چارلی می خواهد مرا ببیند؟ شاید او بمن احتیاج داشته باشد بهتراست بروم.

تری ازاطاق خارج شد وازپله‌های طبقه دوم پائین آمد در تمام این مدت «ادی» گریه کنان از بالا او راصدامیزد والتماس می کرد که نرود.

در خیابان هیچکس دیده نمی شد و فقط مه غلیظی که از رودخانه برخاسته بود درفضا موج میزد. تری مه را می‌شکافت ودرجستجوی برادرش جلو می رفت ناگهان صدای پائی ازپشت سرشنید و چون روی برگرداند (ادی) دوان دوان خود را باو رسانید و در آغوشش افتاد. تری دخترك را در میان بازوانش فشرد ویکی دوبار با فریادنام چارلی را صدا کرد. از میان تیرگی غلیظ همان صدائی که وی را از منزل ادی بیرون آورده بود باو پاسخ داد: (می خواهی چارلی را ببینی؟ از این طرف بیا)... تری وادی در میان مه بسوی صدا پیش رفتند. اندکی بعدازپشت پرده مه هیکل چارلی که بزحمت بیکی از تیر های چراغ برق تکیه کرده بود مشاهده شد. آندو بجلودویدند وهنگامی که بکنارچارلی رسیدند (تری) پرسید: چارلی، دنبال من میگشتی؟ چارلی جوابی نداد. تری دست دراز کرد تا بازوی برادرش را بگیرد ولی چارلی چرخی خورد، تیررا رها کرد وباسنگینی برزمین غلطید. تری و ادی با اضطراب روی جسد وی خم شدند ولی چارلی جان سپرده بود. (جانی) نتوانسته بود باور کندکه تری بقصد وارادهٔ خودش حاضر بهمکاری باوی نشده‌است. او حتماً فکر کرده بودکه (چارلی) درخفا برادرش را بضدیت با اوتحریك می کند واین بارهم چارلی مانع شده بودکه (تری) شغلی را که وی (یعنی‌جانی) باوپیشنهادمیکرد نپذیرد وحاضر بهمکاری با اونگردد... پیکر سوراخ سوراخ شدهٔ چارلی ثابت می کرد که وی بدبختانه نتوانسته است خود را ازاین اتهام نزد جانی تبرئه کند

«ادی» دست «تری» را گرفت و گفت: بیا ازاینجا برویم.. ولی تری با چشمان خون گرفته دخترك رابایك حرکت ازخود دور کرد ودو باره در کنار جسد برادرش نشست «ادی» با تضرع گفت:

ـ اول برادرمن، بعد دوگان و حالا هم چارلی، تری بیا از اینجا برویم من از عاقبت این بازی وحشت دارم. تری با صدائی گرفته ازبغض وخشم گفت:

ـ پوست‌ازسرهمه‌شان‌می کنم‌خواهی دیدکه چطور پوست ازسرشان میکنم!

ـ تری، بیا از اینجا برویم. من نمی‌خواهم که توهم بسرنوشت این بخت برگشته ها دچارشوی. من میخواهم تو زنده‌باشی، بامن زندگی کنی. تری‌نرو!

ـ اینطور خودت را بمن آویزان نکن ودنبال من هم نیا! فهمیدی؟ گفتم دنبال من نیا!

ولی «ادی» گریان ونالان با قامت نیمه خمیده مرد جوان را تعقیب می کرد ودنبال او می آمد. «تری» جلوی یك مغازهٔ سمساری ایستاد و با مشت شیشه ویترین را شکست ویك طپانچهٔ کلت ۴۵ ازآنجا بیرون آورد.

دست وبازویش را شیشه ها دریده وغرق درخون کرده بود. دخترك بازوی اورا گرفت وفریاد زد: تری تو مجروح شده‌ای ترا بخدا نرو! مرد جوان بازاو را بایك حرکت‌ازخود دور کرد و گفت: «ادی» من نمی خواهم‌ترا اذیت کنم‌ولی ازسرراه من دورشو!

وقتیکه (تری) بکافهٔ میعادگاه‌جانی ویارانش وارد شد عده‌ای از بچه‌ها آنجا بودند وداشتند تلویزیون را تماشا کردند ظهور(تری) باآن سرووضع همه‌راساکت کردوتری‌ازمتصدی‌باربرسید جانی کجاست؟

متصدی بار اظهار بی اطلاعی کرد ولی(تری) نتوانست حرف اورا باور کند وخود به پشت بار رفت وبا یك لگد در اطاقی راکه جانی ودار ودسته‌اش آنجا راستادومرکزعملیات‌خودمی‌خواندندازهم گشودکسی دراطاق نبود. (تری) بجلوی باربرگشت و بیزبار تکیه کرد. متصدی بار پرسید:

ـ دستت چه‌شده، چرااینطورمضطربی؟ (تری) با خشم گفت: فضولیش بتو نیامده توفقط یك گیلاس ویسکی بریز و کاری باین کارها نداشته باش! (ناتمام)

لازمست بدانید...

... که «ماریو لانزا» هر وقت میخواهد اجازه بدهد که صفحه آوازاورا دررادیو بنوازند، اول‌خودش گوش‌میدهد وچنانچه‌خوشش‌نیامد، آن‌صفحه‌رامیشکند و... تا کنون‌متجاوزاز۴۷ صفحه و ۱۲ گرامافون راشکسته است!

... که‌فیلم «وسط‌ظهر» برای گاری کوپر ۳۶۰هزاردلار درآمدخالص‌داشت.

... که‌باربارااستانویك زوجه‌سابق رابرت تیلور اکنون بارابرت‌واگنرهنرپیشه ۲۴ ساله‌هالیوود رفت وآمدمیکند! خانم استانویك فقط ۴۶ بهار دیده‌اند!

... که در جنك اخیر گریگوری پك بواسطه پشت خمیده خوداز‌خدمت‌سربازی معاف شد.

هرمسه داریوش فیلم مفتخر است که باطلاع هم میهنان گرامی برساند

بزودی در سینما متروپل

یك فیلم رنگی از بهترین محصولات سینمائی ایتالیا بنام

جادوی سبز

MAGIA VERDE

دوبله شده بزبان فارسی توسط الکس آقابابیان

بمعرض نمایش گذارده خواهد شد

کلیه صحنه‌های این فیلم رنگی هیجان آور در جنگلهای مخوف و انبوه آمازون تهیه گردیده و خاطره‌ای فراموش نشدنی از خود بیادگار خواهد گذاشت

برنامه بعداز آن - فیلم مهیج اخلاقی و اجتماعی دوبله شده بزبان فارسی بنام

برضد قانون

CONTRO LA LEGGE

خواهد بود وهنرپیشگانی چون تینو بوازلی - مانلیو بوسونی - آنجلو کانووا رناتو مالاواسی در آن شرکت دارند

بکارگردانی : فلاویو کالتساواری

محصول : اسکالافیلم

داریوش فیلم

برنامه سوم - بزرگترین شاهکار دراماتیك

دختر ماتاهاری

LA FIGLIA DI MATA HARI

داستانی از یك عشق نابود شده - یك قربانی بیگناه - یك فداکاری بیمانند

که شما را با صحنه‌های پراضطراب ومهیج خود همراه خواهد نمود

باشتراك: لودمیلا چرینا - ارنو کریزا - فرانك لاتیمور - میلی ویتاله

منتظر آگهی‌های بعدی باشید

این هم تاریخچه وطرز کار یك کمپانی معظم آمریکائی

که درسال جاری بیش از سه برابر سال تأسیس خود فیلم پخش کرده است

تهیه کنندگان مستقل

کمپانی « یونایتدآرتیستس — United Artists » هم‌درمیان کمپانی های‌هالیوود وضع جالبی‌دارد . شب‌وروز یکعده‌هنرمند که‌حاضر نیستند تحت‌تسلط یانظارت کمپانیهای بزرك کار کنندبطور مستقل در استودیوهای‌سربسته‌این کمپانی عظیم مشغول تهیه‌فیلم‌هستند وعجیب‌اینجا است که‌موفقیت این‌تهیه کنندگان بیش از کمپانی است که بطور انحصاری‌ودربست در اختیار سایر کمپانی ها هستند . در کمپانی‌های‌دیگرهالیوود ، معمولا عده‌ای تهیه کننده ، کارگردان وهنرپیشه و کارمندان فنی استخدام شده قراردادهائی از سه الی‌پانزده‌سال‌باکمپانی‌منعقد کرده‌اند اما در این کمپانی تمام‌هنرپیشگان ، تهیه کنندگان وکارگردانان درکارخود آزاد هستند وطرزکار بدینطریق است که یك تهیه کننده مستقل وقتی تصمیم بتهیه فیلمی میگیرد ، یك استودیو از کمپانی کرایه میکند و بدون دخالت احدی ، باقدرت مالی شخص خود فیلمی تهیه مینماید ولی البته حق‌پخش‌فیلمها بعهده کمپانی‌است که از این‌راه‌پورسانتاژ قابل ملاحظه‌ای به دست می‌آورد . تمام کسانی که ازدست زورگوئیهای بی‌حساب رؤسای کمپانیهای دیگر فراری‌شده ومیخواهند بمیل خود فیلم تهیه کرده یا در فیلمها شرکت کنند باین کمپانی‌روی‌میآورندوموقعیت‌بخصوصی که این کمپانی در اثر این سیاست پیدا کرده ، حائز بسی اهمیت است .

تاریخ پرماجرا

تاریخچه تأسیس و پیشرفت کمپانی « یونایتدآرتیستس » بسیار جالب و خواندنی است . روز ۱۷ آوریل سال ۱۹۱۹ چارلی‌چاپلین ،دوگلاس‌فربنکس مری پیکفورد و دیویدوارك گریفیت در شهر لوس‌انجلس گرد هم جمع‌شدند و سندی‌را امضا کردند که‌باعث ایجادیك کمپانی‌جدید و ابتکاری‌شد .

یکی از مواداین‌قرارداد میگوید: «منظوراز تشکیل کمپانی یونایتدآرتیستس ترقی وتکمیل صنعت وهنر سینماتوگرافی است و امضا کنندگان این قرارداد تعهد میکنند که‌برای‌پیشرفت‌هنرسینماتاآخرین لحظه ازهیچگونه کوششی‌دریغ‌نورزند» .

امضا کنندگان‌این‌قراردادهنرمندانی چون چارلی‌چاپلین ومری‌پیکفوردودیوید وارك گریفیت ودوگلاس فربنکس‌بودند و بطوریکه تاریخ سینمای آمریکا نشان میدهد بقول خود وفا کردند . چارلی چاپلین با تهیه وشرکت در فیلمهائی نظیر «جویندگان‌طلا» ، «سیرك» ، «روشنی های‌شهر» ، «عصرجدید» و «دیکتاتور بزرك» هنرسینمای آمریکا را باوج‌ترقی وعظمت رسانید . «مری‌پیکفورد» ملقب به «محبوبه جهان» نیزدر فیلمهای مهم وجالب این کمپانی بازی کرد که بعضی از معروفترین آنها بدین‌قرارند: یولیانا- گنجشکها - آلی‌دونی کوچك- زیباترین معشوقه من ... مری پیکفورد را شاید بتوان مهمترین‌ستاره زن‌سینمای آمریکا دانست زیرا چنان‌شهرت و محبوبیتی در آمریکا وسایر نقاط‌جهان پیدا کرد که نظیر آن‌تاکنون درتاریخ دیده‌نشده‌است. «دیویدوارك گریفیت» کارگردان هنرمند وشهیر که با ابتکارات خود هنر سینما رانیم‌قرن پیش‌برد ، پس‌از تهیه و نمایش فیلم «پیدایش یك‌ملت» ، دو کمپانی فوق فیلمهای تازه‌ای‌راکارگردانی کرد و این‌فیلمهای‌عالی که بهترین آنهاعبارتنداز: آمریکا - راه شرق - یك‌شب پرحادثه - گل سفید - کوچه‌رؤیاها و بنیان‌طوفان، باعث پایه گذاری مکتب جدیدی در هنر سینما گردیدند و شهرت گریفیت بوسیله آنها چندین برابرشد .

تاریخ سینمای آمریکا و جهان از «گریفیت» بعنوان‌هنرمندترین کارگردان سینما یاد میکند وخاطره فراموش نشدنی فیلمهای او هنوز در مخیله دوستدارانش جلوه‌میکند شهرت دوگلاس فربنکس با عملیات شجاعانه‌وحرکات پرهیجان‌وژست های معنی‌دارش‌موجدمکتبی شد که‌اکنون برت‌لنکستر ، تونی کرتیس ، اورول‌فلین وغیره‌از آن‌بهره‌میبرند . ماجراهای‌عشقی وپرحادثه این مرد عجیب در فیلمهای : علامت زورو - دزد بغداد - راهزن سیاه پوش - روبین‌هود - دون ژوان و غیره سالهای مدید باعث‌اعجاب‌جهانیان گردیده بود وهنوز هم‌آنهائی که‌فیلمهای‌اورا بیاد می‌آورند ، میل دارند کپیه جدید آنها را ببینند

بدینطریق‌چهار هنرمندمعروف‌جهان سینما ازپایه گذاران اصلی این کمپانی بودندو باکارخودیك کمپانی جدیدالتاسیس راکه درسال اول‌فقط چهارفیلم‌پخش کرد بجائی‌رسانیدندکه در سال مسیحی جاری که ۳۵سال ازعمر کمپانی‌میگذرد ، مقدار فیلمهایش به ۵۴۰ عدد رسیده است یعنی بیش از ۱۳ برابر زیادتر محصول بدون داده است .

چهار فیلمی که‌در سال اول تاسیس کمپانی تهیه‌وپخش شدعبارت بودند از :

یك عکس تاریخی که هنگام امضای قرارداد تشکیل کمپانی یونایتد- آرتیستس برداشته‌شده است . ازچپ براست : دیویدوارك گریفیت -مری پیکفورد - چارلی چاپلین - دوگلاس فربنکس ودرصف‌عقب دونفر ازسردفتران شهرلوس‌انجلس

جینجر راجرز (پیچ و خم سرنوشت) — جین راسل (شش فیلم رنگی مستقل) — اواگاردنر (کنتس پا برهنه) — جینالولو بریجیدا (شمشیرهای متقاطع) — باربارا استانویك (شاهد قتل)

«اعلیحضرت آمریکائی» باشتراك دو گلاس فربنکس - «وقتی که ابرها پراکنده میشوند» که در این فیلم هم دو گلاس کیپرل اول را داشت - فیلم سوم «پولیانا» بود که «مری پیکفورد» در آن بازی میکرد - در فیلم چهارمی که «ولگرد محبوب» نام داشت «جان باریمور» فقید و «دولورس کاستلو» رلهای مهم را ایفا میکردند .. «رام کردن زن سلیطه» اقتباس از اثر معروف شکسپیر نیز فیلم جالبی بود که دو گلاس فربنکس و مری پیکفورد با بازی در آن شهرت جهانی یافتند .

هنرپیشگان معروف

از میان هنرپیشگانی که در فاصله سالهای ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۰ در فیلمهای این کمپانی شرکت کردند اشخاص زیر قابل ذکر هستند : جرج آرلیس - جان باریمور دروتی ولیلیان گیش - رودلف والنتینو - گلوریا سوانسون - نرما تالماج - ادی کانتور - والتر هوستون و باستر کیتون. سپس ستارگان دیگری چون : سیلویا سیدنی - اسپنسر تراسی بل مونی - جون کرافورد - اینگرید برگمن کلودت کلبرت - کاری گرانت - مارل دیتریش فردریك مارچ و شارل بوایه در فیلمهای کمپانی یونایتد آرتیستس ظاهر شدند و شهرت و ثروت بی نظیری برای تهیه کنندگان فیلمها و خودشان کسب کردند . در این دوره فیلمهای فراموش نشدنی عالم سینما از قبیل صحنه خیابان - آروسمیت - چهره مخوف - فرشتگان جهنم - ارتفاعات و ترینك - انتر متسو - رودخانه سرخ - طلسم شده - جدال در آفتاب بوجود آمدند و هریك میلیونها دلار کار کردند و باعث شدند که کمپانی یونایتد آرتیستس از صورت یکعده استودیو های کوچك درآمده و مبدل بیك کمپانی عظیم شود که اکنون وضع آن از سایر کمپانی های آمریکائی امیدبخش تر است . باوجود این در طی بحرانهای سینمائی این کمپانی نیز از ضررهای وارده بی بهره نماند . مثلا در سال ۱۹۵۱ کار بقدری سخت شده بود که نزدیك بود اصولا در کمپانی را تخته کنند و محوطه آنرا برای یك کارخانه قندسازی تخصیص دهند اما در همان موقع یکعده کارمند با تجربه و با اراده کمپانیهای هالیوود که بآینده سینما امید فراوان داشتند برهبری (آرتور کرایم) اداره امور یونایتد آرتیستس را بدست گرفتند و کار آنرا بجائی رسانیدند که اکنون ۱۳ برابر سال اول محصول پخش میکند و مقدار فیلمهایش بیش از سه برابر فیلمهای سایر کمپانیهاست

در حال حاضر ستارگان و هنرپیشگان محبوب هالیوود در این کمپانی زیردست تهیه کنندگان زبردست و کارگردانان با تجربه کار میکنند که ما ذیلا نام عده‌ای از معروفترین آنهارا ذکر میکنیم .

هنرپیشگان : فرانك سیناترا - بار. بارا استانویك - جینجر راجرز - رابرت میچم - جینالولو بریجیدا - جنیفر جونز - ارول فلین - کرك دو گلاس - تونی کرتیس اورسن ولز - جین تیرنی - کرنل وایلد - گاری کوپر - همفری بوگارت - وان هفلین - انتونی دکستر - رود کامرون - روت رومن - اواگاردنر - برت لنکستر - گریگوری پك - جین راسل .

تهیه کنندگان و کارگردانان معروف

پل گریگوری ، هارولدهجت ، جان هوستون ، استانلی کرامر ، آناتول لیتواك جوزف مانکیویتس ، رابرت روسن ، ویکتور ساویل ، ادوارد اسمل ، چترارسکین .

فیلمهای جدید

کنتس پا برهنه (همفری بوگارت ، و اوگاردنر) - اسکناس یکمیلیون لیره‌ای گریگوری پك) - شاهد قتل (جرج ساندرز و باربارا استانویك) - کنار ساحل (تونی کرتیس و مری مورفی) - شمشیرهای متقاطع (ارول فلین و جینالولو بریجیدا) - آپاچی (برت لنکستر و جین پیترز) - ورا کروز

(بقیه در صفحه بعد)

رابرت میچم (شب شکارچی) — گاری کوپر (ورا کروز) — گریگوری پك (اسکناس یکمیلیون لیره‌ای) — تونی کرتیس (در کنار ساحل) — برت لنکستر (آپاچی - ورا کروز)

بزرگترین فستیوال سینمائی سال از شاهکار های بزرگ فیلمهای ایتالیائی

تحت نظر « مجله ستاره سینما » ومعرفی « آقای دکتر ضیاء قهاری » متود آنسن سینما

بزودی در سینما پارك و یکی دیگر از سینما های درجه اول

فیلمهائیکه بمعرض نمایش گذارده خواهند شد عبارتند از :

۱ـ ((شنل)) برنده بزرگترین جایزه فستیوال کان ۱۹۵۲ اقتباس از شاهکار جاودانی گوگول نویسنده بزرگ روس و کارگردانی «آلبرتو لاتوادا» کارگردان مشهور و باشتراك کمدین بزرگ «رفاتوراشل»

۲ـ ((دزد دوچرخه)) شاهکار بزرگ نئورئالیستی اثر متود آنسن هنرمند ((ویتوریو دسیکا))

۳ـ ((حسادت)) دوبله بزبان فارسی ٤ ـ ((لوکرس بورژیا)) شاهکار تمام رنگی

نام سایر فیلمها بعدا باطلاع خواهد رسید

نهضت هنری...

(بقیه ازصفحه ۳)

می کند یکی از خلال نگاههای دوربین که گوشه‌های خنده‌آور زندگی ایتالیائیها را ارائه میدهد ویکی هم اصولا از آنجا که مردم ایتالیا میکوشند ازراه کمیك و خنده‌آور وحرفهای مضحك زندگی کنند درحقیقت کمیك مخصوص عده‌ای محدود و یاحرکاتی معین وحرفهائی معدود درزندگی آنها نمیباشد بلکه در نهاد حرکات و حرفهای تمام آنها و خمیره اصلی زندگانیشان کمیك عجین گشته ازخلال کمیك زندگی میکنندو بدنیا مینگرندو اینهم همان کمیکی است که بدست «بلازتی» در فیلم «چهار گام درابرها» بکاررفته است.

دراین فیلم نگاه شگفت‌زده ایتالیا بمناظر فجیع وعجیب جنك دوخته شده و بیشتر آنهارا بباد مسخره میگیرد.

«چهار گام درابرها» دراواخر سال ۱۹٤۲ و دراوائل ۱۹٤۳ برداشته شد سال ۱۹٤۲ برای بلازتی سال موفقیت بود زیرا فیلم «تاج آهنین» او موفق بدریافت بزرگترین جایزه بین‌المللی فستیوال ونیزشده بود بااینحال بجرئت میتوان گفت وقتی «چهار گام درابرها» از او برروی پرده آمد قیافه واقعی بلازتی آشکارشد وبزرگترین شاهکار «بلازتی» هم که واقعاً روح وفکراورانشان میدهد همین اثراست. تابحال صحنه‌های دلخراش جنك فقط برای بدردآوردن دلهاروی صحنه آورده‌می‌شدندولی «بلازتی» در این فیلم بخوبی موفق شد صحنه های دیگری راکه درکنارهمین صحنه‌های جنك زندگی میکردند وشاید بیشتر مولود همان صحنه های جنك بودند درمقابل چشم‌مردم قرار بدهداینها وآنهامکمل‌هم واقع شدند و زندگی واقعی آندوره را برای همیشه تثبیت نمودند.

اینهم تاریخچه وطرز کار

(بقیه از صفحه قبل)

(کاری کوپر وبرت لنکستر)ـ عمل‌عشقی (کرك‌دوگلاس) ـشب شکارچی (رابرت میچم)ـ پیچ وخم‌سرنوشت (جینجرراجرز) ـ سادنلی (فرانك‌سیناترا) ـ آفایان با موخرمائیها ازدواج میکنند (جین راسل وجین کرین). این بود شمه‌ای ازتاریخچه و طرزکار کمپانی یونایتدآرتیستس که فیلمهای آن تقریبابهتر ازفیلمهای سایر کمپانیهاست واغلب این محصولات جدیدکه نام بردیم توسط سینما رکس خریداری شده و طی ماههای آینده بمعرض نمایش گذارده خواهد شد.

بطوریکه‌مشاهده شدفیلمهای مستند زیاد آندوره که پرده‌هائی ازوقایع جنك وزندگانی خانواده‌ها را نشان می دادند و فیلمهای «جنینا» و«دورو برتیس» و «روسلینی» که ترکیب کاملتری اززندگانی آشفته آندوره‌بود ازیکطرف وفیلمهائی چون «چهار گام درابرها» که صحنه‌های زندگانی خانواده‌ها ومردم طبقه سوم را نشان میداد ازطرف دیگر قبل از آنکه رسما یك مکتب جدی سبك «شورئالیسم» درسینما اعلام شود مقدمات تجدید حیات سینمای ایتالیارا فراهم آورده بودند و حتی درهمان‌دوره «روسلینی» و«دسیکا» و«ماتولی» نیزقبل‌ازاینکه آثار بزرگ خودرا بروی پرده بیاورند باافتادن در جریان هنری فیلمهای مستند داستان‌دار شهرت پیدا کرده بودندو بلازتی هم‌همچنانکه دیدیم باوجود علاقه مفرطی که بفیلمهای تاریخی وپرشکوه داشت در این جریان افتاد وفیلم کمیك مستند «چهار گام درابر ها» را برای نخستین باردروی پرده‌آورد آنچه دراینجا قابل ملاحظه‌است آنستکه جنك باوجودخسارات زیادی که برای ایتالیا آورد یك‌فایده اساسی نیزداشت و آن زنده ساختن هنرسینمای آن بود که کم کم رو بفنامیرفت درحقیقت جنك دردهای واقعی وعیوب اساسی اجتماع رادرمقابل دیدگان هنرمندان سینمای ایتالیا قرارداد و آنها رابیافتن مکتبی نوبرانگیخت. ازمیان‌همان کارهای درهم وآثار مستندآشفته دوران جنك بودکه آثارجدی ومبتنی بر تئوری نئورئالیسم پس ازجنك متولد شد وبعداً هم راهی اساسی برای هنر سینمای جهان یافت. (ناتمام)

نمایندگان خوش حساب ما

آقای عیسی معالی نماینده مجله ستاره سینما وسایر جراید معروف تهران در تبریز می باشند که در خوش حسابی ضرب المثل هستند و ما بدینوسیله از ایشان تشکرمیکنیم.

اتوبوسی بنام هوس
شاهکار تنسی ویلیامز ـ ترجمه ایرج نورانی
چاپ دوم

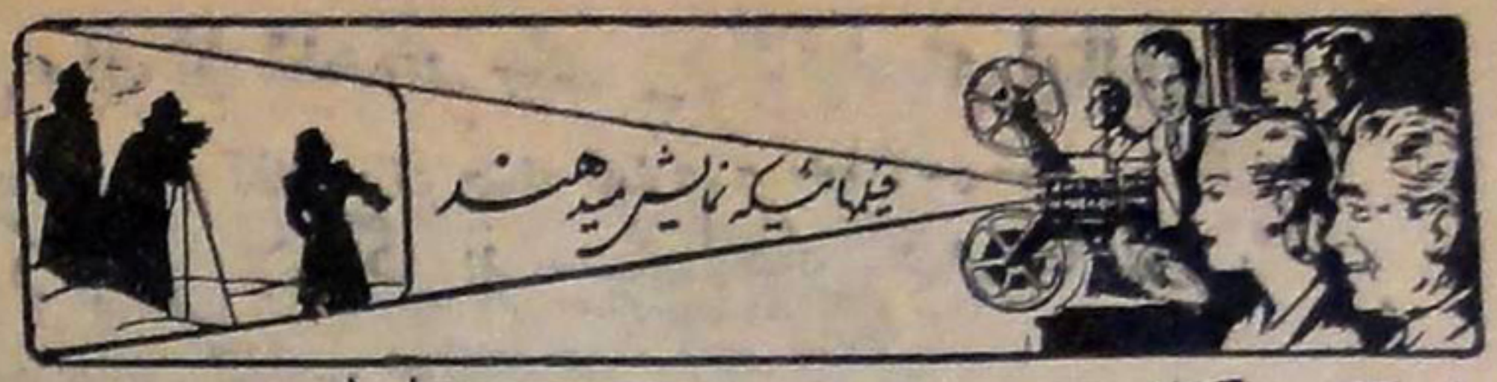

یك آمریکائی در پاریس

پس ازمدتها صبر وتحمل ، یك فیلم جالب و پر ارزش موزیکال روی پرده سینمای ایران تماشا میکنیم . این فیلم که درباره آن مجلات وجراید داد سخن داده بودند ، از چند جهت مورد توجه است . اول از لحاظ موزیك عالی آن که توسط (جرج گرشوین) آهنگساز نامی آمریکائی ساخته شده و تلفیقی از موزیك علمی وجاز آمریکائی است واین خصیصه عجیب فقط مختص (گرشوین) است . ثانیاً رنك آمیزی آن که درنهایت زیبائی رنگها بایکدیگر ترکیب شده‌اند و روی زمینه دکور های سمبولیك صحنه های رقص چشم را نوازش میدهند .

ثالثا رقص ها و میز آنسن های آن که توسط خود (جن کلی) ایفا کننده رل اول بعمل آمده وماهرانه ترتیب‌داده شده است و مخصوصا (لسلی کارون) همراهی مناسبی با اومیکند وهم‌آهنگی که بین این دو هنرمند وجود دارد کمتر در فیلمها دیده میشود .

اینها بودنکات بر جسته فیلم (یك آمریکائی درپاریس)ولی این فیلم از دو جهت بسیار قابل انتقاداست :یکی اینکه اصولا یك‌داستان‌جالب‌وپرانتریك‌وتنظیم شده درفیلم وجودندارد وصحنه‌های‌رقص درحقیقت‌توسط حرکات واعمال‌بدون‌هدفی بیکدیگروصل‌شده‌اند ودیگراینکه‌ظاهراً (یك‌امریکائی درپاریس) رابرای رقابت بافیلم(کفشهای‌سرخ) ساخته‌اند و رقص آخرفیلم درحقیقت صحنه‌های آن فیلم‌را بخاطرانسان میاندازد ، باتوجه باینکه دوربین فیلمبرداری‌باحرکات تب‌آلودش احساسات گوناگونی در تماشاچی بوجود میآورد وموتاژمبتکرانه‌ای که در کلیه صحنه‌ها بکاررفته‌این‌فکررابانسان میدهد که مقصود ازاین غلو وگزافه گوئی در روی سن‌آوردن رقص‌های شدید وتندچه بوده‌است؟(یك‌امریکائی درپاریس)رامیتوان میان فیلمهای موزیکال آمریکائی یك‌اثر برجسته دانست زیرا هنرمندی جن‌کلی و لسلی‌کارون باموزیك پخته وعالی جرج گرشوین تلفیق شده ودکورهای بیسابقه آن‌نیزتاثیربسزائی‌روی‌فکر و احساس تماشاچی بوجود میآورد که نمی‌توان از ذکرآن‌چشم‌پوشید .

نقلعلی

برای درك‌موضوع‌فیلم‌رنگی(نقلعلی) هوش زیادی لازم است ! داستان این فیلم‌عبارت‌است ازمقداری‌صحنه‌های کوتاه ونامربوط که بسختی‌و بزحمت بیکدیگر متصل شده‌اند و بخوبی معلوم است که فیلم دارای ستاریوو دیالوك مدونی نبوده‌وفقط بکمك‌استعداد و تجربه هنر - پیشگانش آنرا تهیه کرده‌اند . معمولافیلم های کمدی که در سربازخانه اتفاق میافتد آثار خوبی از آب در میآیند و شاهد مدعای‌ماتیز فیلمهائی‌هستند که‌روی همین زمینه درآمریکا و سایر کشورها ساخته شده‌اندامااکسانیکه دست بتهیه فیلم‌نقلعلی زده‌اند از اهمیت وزمینه‌مناسب کار خود بی‌خبر بوده‌ونتوانسته‌اند فیلمی‌راکه‌میشد بسیار کمدی از آب درآورد ، بطور جالب‌و مناسبی تحویل مردم دهند . رنك آمیزی‌فیلم نقلعلی را چون دارای مناظر طبیعی بوده، بامان‌خدا سپرده‌و کوچکترین ابتکاروذوقی در ترکیب آنها بکاربرده اند وخوشمزه‌تر ازهمه اینکه‌دوربین‌فیلم برداری رااغلب دریك نقطه متمرکز کرده وچنانچه هنرپیشه از میدان‌دید آن‌ردشده عکسش گرفته‌شده است ! در بعضی صحنه ها که کار بافتضاح میکشد و اصولا هنر پیشه اول آن که تفکری‌باشد ، دیده‌نمی شود . بازی‌هنرپیشگان و میزآنسن فیلم اصولا قابل بحث نیست . تفکری که به عنوان یك‌هنرپیشه کمیك معرفی شده‌است مثل اینکه فقط برای صحنه تئاتر خوب است زیرا در فیلم مذکور اصولاابتکاری از خود بروز نمیدهدوهیچگونه خنده‌ای‌از یك‌تماشاچی باذوق‌نمیگیرد. آریان‌ومصدق نیز هر کدام بنوبه خود کمال بی‌هنری را بکاربرده‌اند ، مخصوصا آریان که‌رل‌یك دختردهاتی را بازی‌میکند اما هر لحظه جلوی‌محرم‌و نامحرم«!»چادرش از سرش می‌افتد وهیچگونه کوششی برای‌پوشاندن روی خود بروز نمیدهد . فیلم نقلعلی را میشود ندید !

موقعی که آخرین صفحه مجله بسته میشد ، نامه‌زیر ازآقای‌ابتهاج ،شهردار تهران برای‌ما رسید که‌عینا درج میگردد و پاسخ آنرا بشماره‌بعدموکول‌میکنیم .

اداره محترم مجله ستاره سینما

معطوفا بقسمت اخیر شرح مندرج در شماره ۱۷ مورخ ۱۲ر۸ر۳۳ آن جریده تحت عنوان مهتاب خونین درباب صدی‌چهل‌عوارض‌فیلمهای‌فارسی خواهشمند است شرح ذیل‌رابمنظور روشن‌شدن‌اذهان‌عمومی‌در آن مجله‌امربدرج‌فرمائید .

شهرداری‌تهران تاکنون برفیلمهای‌فارسی یااستودیوهای فیلمبرداری ایران عوارض مخصوصی‌وضع نکرده است تا صاحبان استودیو ها اخذ آن‌رامانع پیشرفت صنعت فیلمبرداری‌قلمداد کنند وعوارضی که درحال‌حاضر شهرداری‌از بلیط سینماها دریافت مینمایدوجهی است که مردم از جهت خود برای اصلاح وبهبود وضع شهر بشهرداری‌میپردازند با این‌ترتیب که‌شهرداری بربهای‌سابق‌بلیط سینماها مبلغی به نام‌عوارض اضافه‌نموده و آنرابمصرف رفع نیازمندیهای‌پرداخت کننده آن‌میرساند و این‌موضوع ارتباطی‌با فیلمهای‌فارسی یاتهیه کنندگان آن ندارد وضمنااشمارمیدارد که درآمد صاحبان فیلمهای‌فارسی درحال‌حاضر که‌شهرداری بماخذ چهل درصدبهای بلیط عوارض دریافت میدارد نسبت بدرآمدآنها درسال قبل که بطورمتوسط ازبلیط فیلمهای فارسی ۲۳ در صد عوارض دریافت میگردید بیشتر می‌باشد زیرا درست است که‌عوارض‌شهرداری درظاهرامر چهل‌درصدشده است ولی‌صاحبان استودیوها این‌نکته‌را فراموش کرده یاصلاح درسکوت دیده‌اند که‌در سال‌قبل در یك سینمای درجه یك بعد از ردیف‌لژ بلیط ۱۳ ریالی بفروش میرسیده که پس از وضع ۲ر۶ ریال عوارض آن مبلغ ۱۰ر۴ ریال عاید صاحبان فیلمها وسینماهامیگردیده ودر نتیجه افزایش‌نرخ بلیطفعلا بجای ۱۳ ریالی ۲۰ ریالی بفروش میرسد که پس از وضع‌صدی ۴۰ عوارض‌آن‌مبلغ ۱۲ ریال عاید آنها میگردد در این صورت گواهی میفرمائید که‌عنوان ۴۰ر۰ فقط برای کسانی فریبنده است که ازچگونگی‌قضیه‌ی اطلاع بوده و تصور مینمایند واقعا درنتیجه تصمیم اخیر شهرداری‌از درآمدصاحبان فیلمهای فارسی کاسته شده وبکار آنها لطمه وارد آمده است وحال آنکه بعکس نامبردگان ازاین تصمیم بهره بیشتری برده و تشبثات آنها فقط برای‌این است که شاید شهرداری رامجبور نمایند قسمتی‌ازوجوه دریافتی‌ازمردم‌راکه‌باید بمصرف‌رفع نیازمندیهای آنها برسد بآنها بذل‌وبخشش نماید و انجام این توقع متاسفانه برای شهرداری‌میسر نیست .

شهردار تهران - غلامحسین ابتهاج

مضحک قلمی !

مدیر استودیو !

ـ آره رفیق ، ازموقعی که شهرداری عوارض ٤٠ درصد میگیره ، من اجباراً مشغول گدائی شده‌ام !

قهرمانان !

«جری لوئیس» بدوست صمیمی اش «دین مارتین» گفت : مگرشك داری من قهرمان بکس هستم ؟

«دین» پاسخ داد : خیر ... ولی همه میدانند من هم قهرمان دومیباشم !

نسبت مستقیم!

فرناندل هنرپیشه کمدی سینمای فرانسه وقتی برای تهیه فیلم «دشمن شماره یك بشر» بامریکا مسافرت کرده بود یك روز درحین گردش در خیابان ویترین مغازه‌ای جلب نظرش را کرد . محتویات ویترین عبارت بود از شیپور و قره‌نی و سازهای بادی مختلف و همچنین در طرف دیگر انواع اسلحه‌های گرم مشاهده میشد . فرناندل هرقدر بمغزخود فشار آورد تاعلت فروش این دو نوع جنس مختلف را در یابد موفق نشد . بالاخره داخل مغازه شد و از فروشنده پرسید :

ـ ببخشید آقا ، میخواستم بپرسم علت فروش وسایل موسیقی و اسلحه گرم در این مغازه چیست؟ تصدیق میکنید که بین این دو جنس هیچگونه هم آهنگی وجود ندارد فروشنده لبخندی زد و گفت :

ـ خیلی ساده است آقا . مثلا امروز یکنفر ازما یك شیپور میخرد ، یکهفته بعد همسایه وی بانهایت اشتیاق یکی از اسلحه های گرم مارا خریداری خواهد کرد !

از دروغهای زنانه !

یکروز «آریان» و «فرح باهو» صحبت میکردند . فرح گفت : من در هر پنج دقیقه یکبار غش می کنم !

«آریان» پرسید : هر دفعه چقدر طول می کشد ؟ «فرح» جواب داد : تقریبا یکربع ساعت !

بی پولی !

«محزون» پس از اصلاح بسلمانی گفت : حالا که پول همراه ندارم چکار کنم؟

سلمانی مدتی فکر کرده و سپس گفت: هیچ، آنقدر اینجا بمان تاریشت در بیاید، آنوقت بی حساب خواهیم شد !

لیست سیاه !

با دفیلمبرداری باتریقا رفته بودند تا فیلم تهیه کنند پس از یك مسافرت طولانی به قبیله‌ای رسیدند و استقبال گرمی از آنها بعمل آمد رئیس هیئت بالاخره مقصود خود را درمیان گذاشت و بوسیله مترجم برئیس قبیله گفت : اینجاها مراسم تازه‌ای جشنی خبری در بین نیست که ما فیلمبرداری کنیم؟

رئیس قبیله گفت چرا امشب شام مفصلی داریم و درضمن آن هم مراسمی بعمل میآید وشما میتوانید باکمال آسودگی فیلم بر دارید . ساعتی بعد مترجم پرسید : اسم اعضاء هیئت فیلمبرداری را چطور مینویسند ووقتی پرسیدند مقصودش چیست گفت :

ـ چیز مهمی نیست آشپز قبیله می خواهد لیست غذای امشب را تهیه کند !

از محاسن تله‌ویزیون !...

... و ازمضار آن ! ...

زن ـ محمود، مگر نمی بینی شوهرم متوجه ماست ؟ کمی عقب تر بنشین !

سرپیری و معرکه گیری !

ـ زری نگاه کن ، این مامان که می گفت فیلم «والنتینو» مرخرفه ، خودش اومده تماشا کنه !

و اینهم «باب هوپ»!

وقتی «باب هوپ» به «بینك کرازبی» گفت : شش نفر زیریك چتر راه میرفتند و هیچکدام خیس نشدند ، «بینك کرازبی» باحالت تعجب پرسید : آخر چطور ممکن است ؟ «باب هوپ» خندید و گفت : آخر ندارد ، برای اینکه باران نمی بارید !

ازعلل بیماری!

«فروغ سهامی» دریکی ازصحنه های آخرین فیلمش بنام «غروب عشق» ناگهان حالت غشی باودست داد که مدت چند دقیقه فیلمبرداری بتعویق افتاد وهنگامی که تهیه کننده و کارگردان اطراف اورا احاطه نمودند، «فروغ سهامی» بدون هیچ ناراحتی ازجای برخاسته وخندان گفت : چنددقیقه استراحت در اواسط فیلمبرداری باعث تجدید قوا می باشد !

خیاط ماهر!

درمجلس دیدو بازدید ، «سوزان هیوارد» و «جین سیمونز» پس ازادای احترامات مشغول صحبت شدند . «سوزان» پرسید : ـ عقیده تو راجع باین لباس تازه من چیست ؟ آیا قشنگ دوخته شده است ؟ همه تعریف آنرا میکنند !

«جین سیمونس» در پاسخ گفت : صحیح است ... واقعا لباس قشنگی است من بارها بتو گفته بودم که این خیاط تو بقدری ماهر است که یك خمره را هم اگر لباس بپوشاند خوشگل میشود !

جواب حسابی !

«جان کارفیلد» درزمان حیات خود معمولا دعوتهائی را که از او میشد نمی پذیرفت منتها هریك را بصورتی . یکروز نامه دعوتی از ستاره‌ای برای او رسید بدین مضمون «ایون دوکارلو ، چهارشنبه آینده از ساعت ۷ تا ۹ بعدازظهر درمنزل خواهد بود» . «جان کارفیلد» زیر آن نوشت «جان کارفیلد هم همچنین !» و کارت را پس فرستاد !

بزودی سینما کریستال بزودی

نمایش دهنده بهترین و بزرگترین فیلمها، عالیترین هدایای خود را یکی پس از دیگری بمعرض نمایش خواهد گذارد

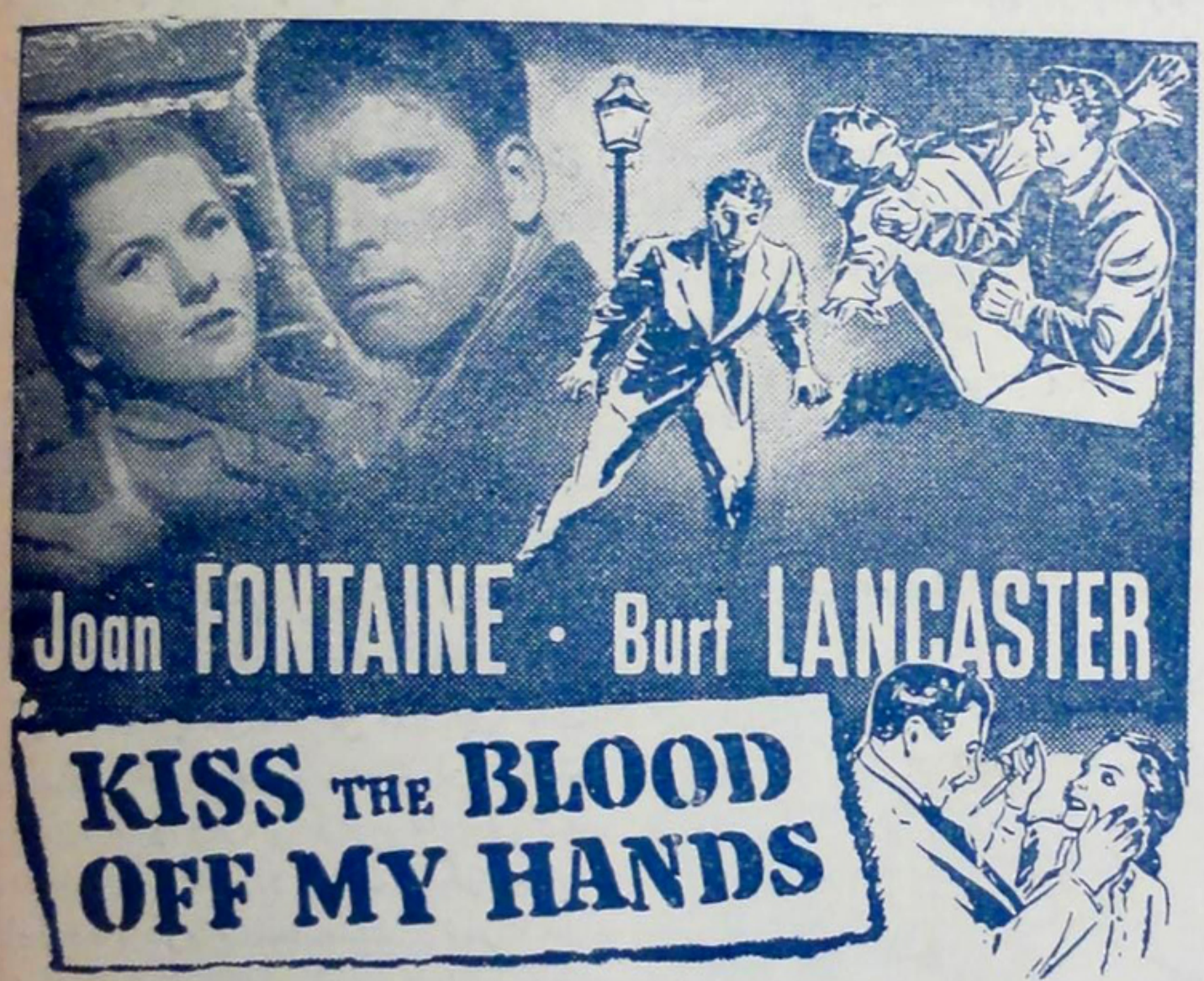

یك شاهکار پرارزش هنری
ویك درام اجتماعی هیجان انگیز

بوسه بر دستهای خونین

باشتراك
برت لنکستر
جون فونتین
رابرت نیوتن
محصول کمپانی یونیورسال

قوی ترین درام تاریخی
وپرحادثه از زندگی
زیباترین وقسی القلب
ترین زن تاریخ

سرگذشت مسالینا

باشتراك
ماریا فلیکس
ژرژ مارشال
از محصولات ایتالیائی